

نشریه بیست و  
هشتمین جشنواره  
بین‌المللی تئاتر فجر

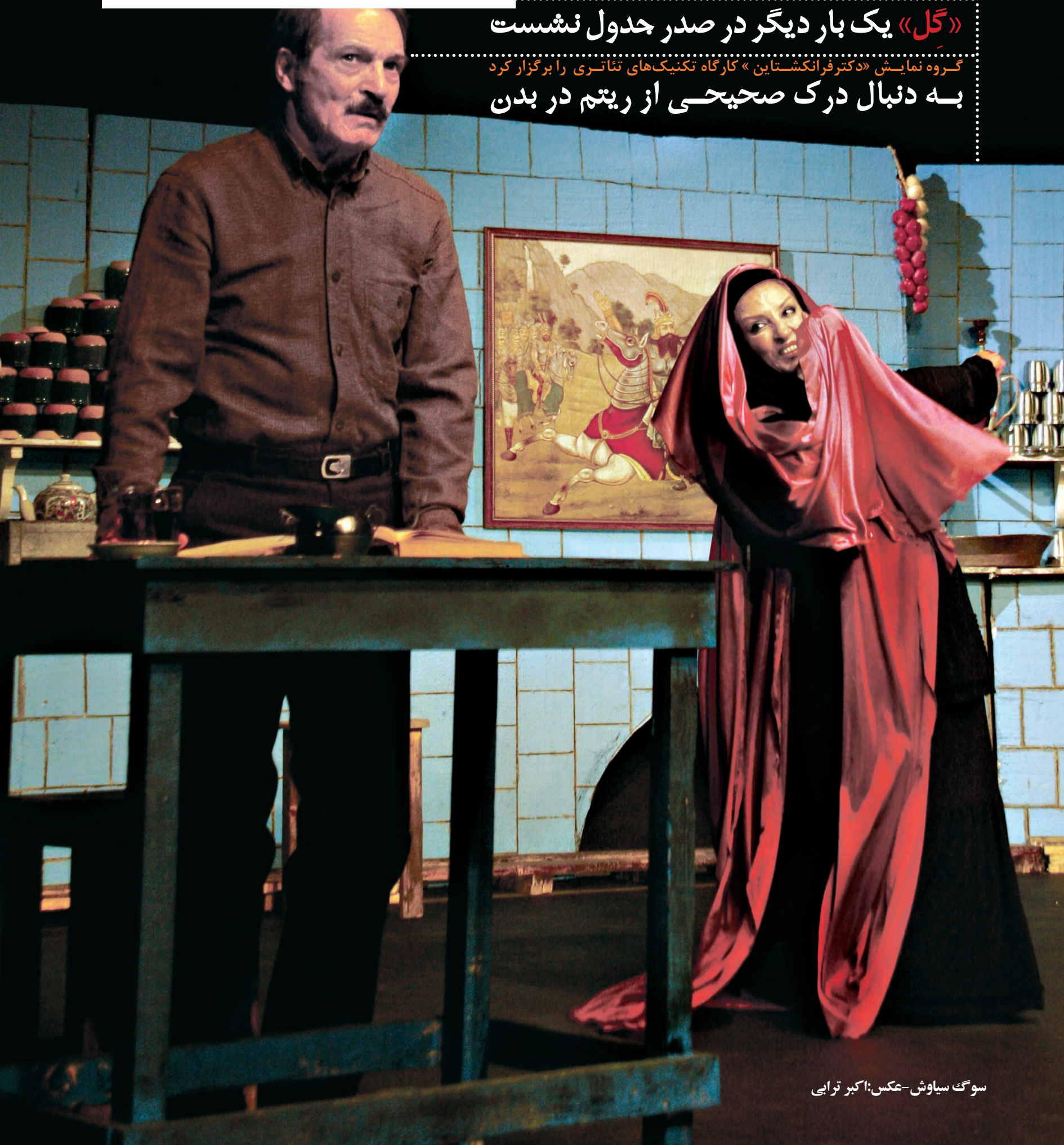
شماره پنجم  
۱۰ بهمن ۱۳۸۸

# تئاتر

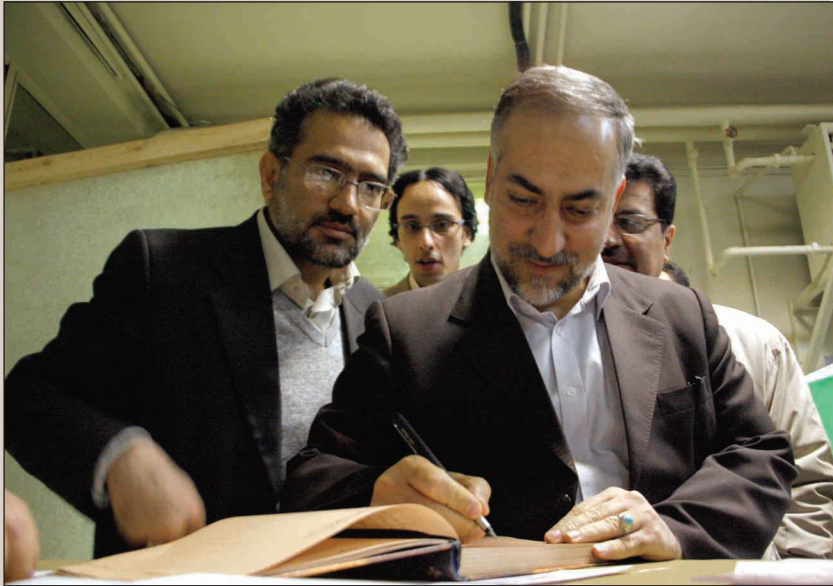
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلام  
و معاون رئیس‌جمهور در «اپرای مولوی»

«گل» یک بار دیگر در صدر جدول نشست

گروه نمایش «دکترفرانکشتاین» کارگاه تکنیک‌های تئاتری را برگزار کرد  
به دنبال درک صحیحی از ریتم در بدن







## وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاون رئیس‌جمهور در «اپرای مولوی»

وزیر و معاون امور هنری وی روبه‌رو شد. کارگردان اپرای مولوی همچنین حضور نسل جوان در بین تماشاگران اپرای مولوی را نشان‌دهنده توجه مردم به زندگی و آثار مفاخر ادبی و هنری کشور دانست و ابراز امیدواری کرد که روزی برسد که زندگی تمامی این بزرگان به اپرا و تئاتر تبدیل شود.

وزیر ارشاد و معاون رئیس‌جمهور و معاون امور هنری در پشت صحنه با کارگردان و گروه نمایش آن دیدار کردند و ضمن تبریک، درباره چگونگی تولید این اپرای عروسکی به گفت‌وگو پرداختند. بهروز غریب‌پور در این گفت‌وگو نسبت به ساخت اپرای «حافظ» نیز ابراز علاقه کرد که با نظر مساعد

سید محمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به همراه ابراهیم عزیزی، معاون برنامه‌ریزی و توسعه راهبردی رئیس‌جمهور و محمدحسین ایمانی خوشخو، معاون امور هنری شب گذشته به تماشای اپرای مولوی نشستند. با پایان اجرای اپرای مولوی،

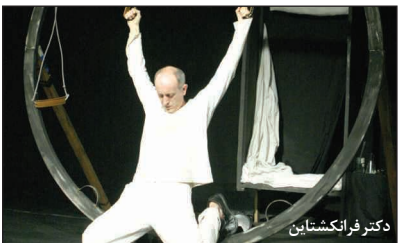
### قابل توجه عکاسان و خبرنگاران رسانه‌های جمعی

## اطلاعیه روابط عمومی جشنواره تئاتر فجر

تا ۱۸ عصر روزهای یادشده پاسخگوی مراجعه‌کنندگان خواهد بود.  
مراسم اختتامیه بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر روز یکشنبه ۱۱ بهمن ساعت ۱۹ در تالار وحدت برگزار می‌شود.

خبرنگاران و عکاسان رسانه‌های جمعی طی روزهای شنبه و یکشنبه (۱۰ و ۱۱ بهمن) می‌توانند برای دریافت کارت اختتامیه بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به اداره کل هنرهای نمایشی مراجعه کنند.  
روابط عمومی اداره کل هنرهای نمایشی از ساعت ۹ صبح

## «گل» یک بار دیگر در صدر جدول نشست



دکتر فرانکشتاین



گل

آرای تماشاگران در هشتمین روز برگزاری جشنواره، همچنان خبر از صدرنشینی «دکتر فرانکشتاین» در بین نمایش‌های خارجی می‌دهد.

نمایش «گل» بار دیگر توانست بالاترین امتیاز آرای تماشاگران نمایش‌های ایرانی جشنواره را از آن خود کند. نتایج به دست آمده از ستاد جمع‌آوری

امتیاز	کارگردان	نمایش‌های ایرانی
۴/۴۰	یاسر خاسب	گل
۴/۲۰	آرش دادگر	لیرشاه
۳/۹۸	نیما دهقان	ختکای ختم خاطره
۳/۵۷	مریم شوقی	دخترای ننه دریا
۳/۲۸	نسترن آزاد	زیرزمین
امتیاز	کارگردان	نمایش‌های خارجی
۲/۴۴	سالواتوره تراماچره - فابریزیو پوگلیزه	دکتر فرانکشتاین
۲/۱۸	کارگروهی تئاتر نووگو فرونتا	فانتو میستریا
۲/۱۱	جنت سلیم‌اوا	مشدی عباد
۲/۰۹	لوئیز آندره	تقریباً هیچ
۲	یرزی زون	عطر زمان

## غفلت از مکانت در تئاتر

علی‌اکبر عبدالعلی‌زاده



تئاتر در سیر تکامل عجولانه خود در ایران همواره فرصت تامل بر نیاز و علاقه مخاطب را از دست داده است. تلاش برای رسیدن به جریان‌های روز تئاتر دنیا، در کنار کم‌توجهی به اصل مهم رضایت مخاطب، باعث شده اغلب آثار نمایشی با وجود تنوع بالای موضوعی و ساختاری، ارتباط کاملی با تماشاگر برقرار نکنند.

یکی از نکته‌هایی که فضای عمومی تئاتر از آن غفلت کرده، توجه به فضاهای ایرانی و نشانی‌های وطنی است، به نحوی که بسیاری اتفاق افتاده است که نمایشنامه‌های ایرانی یا از همان مرحله نگارش در فضاهای انتزاعی و نامأنوس برای مخاطب شکل می‌گیرند یا در مرحله اجرا براساس سلیقه کارگردان با رنگ و لعاب ناآشنا روی صحنه می‌روند. مهمتر آن که عنصر نشانی از بیشتر نمایش‌ها رخت برسته است. قطعا برنامه‌های رادیویی که در مورد محله شما ضبط شده، یا فیلمی که در مدرسه دوران کودکی‌تان تصویربرداری شده یا گزارش روزنامه در مورد کاسب محله‌تان بیش از سوژه‌های مشابه آن برایتان جذابیت دارد. اینگونه جلب توجه را اگر در وسعت مکان‌های شهری توسعه دهیم، موضوعات بکر و جذابی برای نمایشنامه‌نویسان ظهور می‌کند. خصوصاً که عطش آدمی نسبت به کسب اطلاعات در مورد فضاهای آشنا سیری‌ناپذیر است. داستان‌هایی با موضوع زورخانه، حمام عمومی، قهوه‌خانه، کاروانسرا، میدان یا چهارراهی از شهر و قلاع تاریخی نام‌آشنا، پیش از این در دوره‌های مختلف سبب‌ساز رونق تئاتر شده‌اند؛ کافی است همین مدل را در مکان‌ها و موضوعات روز زندگی شهری جستجو کنیم و در کنار خط داستانی، رازهایی را بر ملا کرده یا افسونی را خلق کنیم. این فضا همواره و در همه جای دنیا برای تماشاگر تئاتر جذاب است. مخاطبان ایرانی نیز نشان داده‌اند که همواره از این گروه نمایش‌ها استقبال کرده‌اند. توجه کنید به منتخبین تئاتر خیابانی همین جشنواره.

نکته دیگر این که اهل شهر در ۵۰ سال اخیر با سرعت زیادی به ساکنان شهر تبدیل شده‌اند و این یک بیماری جدی است؛ بیماری که تئاتر یکی از مهم‌ترین راه‌های درمان آن است. شهرهای ما در چهار، پنج دهه اخیر از «جایی»، به «ناکجا» تبدیل شده‌اند؛ یعنی شهر که دارای مکان است، به مکان تبدیل شده، مکانی که واجد مکان نیست. یکی از مهم‌ترین واسطه‌هایی که می‌تواند اتفاق افتد و شهر ما دوباره شهریت پیدا کرده و ساکنان آن نسبتی با شهر پیدا کنند، تولیدات هنری و بویژه آثار نمایشی است. البته نمایش‌ها به شهر مکان نمی‌بخشند. در واقع کاری که هنرمند تئاتر باید انجام دهد، این است که از مکانت شهری که زیر غبار غفلت و عدم توجه قرار گرفته و بر آن پرده کشیده شده است، پرده‌برداری کرده و دوباره به کیفیت فضای شهری، فرصت عرض اندام بدهد. برای اهل شهر یادآوری کنیم که هر جایی کجاست، دارای چه مختصاتی است و چه بخشی از سرگذشت شهر در آنجا اتفاق افتاده است. تجربه نشان داده اگر تئاتر چنین مسیری را طی کند، طبیعی است که می‌تواند علاوه بر تاثیرگذاری بر زندگی شهری، در جذب و رضایت مخاطب و رونق اقتصادی نیز موفق عمل کند. می‌گویید نه؛ امتحان کنید.



تئاتر

نشریه بیست و هشتمین  
جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

مدیرمسئول: حسین پارسایی

سردبیر: علی‌اکبر عبدالعلی‌زاده

معاون سردبیر: مریم فلاح

دبیر تحریریه و مدیر اجرایی: عباس عبدالعلی‌زاده

مدیر هنری: علی رستگار

تحریریه: زهرا شایانفر، رضا آشفته، احمد محمداسماعیلی، علی شمس، بهاره برهانی، سید محسن حسن‌زاده، احسان هوشیارگر، محمدحسین لوانسانی، سمیرا محمدی و عسل آذرپور

معرفی آثار: رضا آشفته، سید محسن حسن‌زاده

ویراستار: محمد عبدعلی

برگردان به انگلیسی: منور خلج

برگردان به فارسی: حسین شاکری

صفحه‌آرا: مهدی میرحسینی

عکس: حسن هندی

با همکاری: امیر خلوصی و اکبر ترابی

با همراهی: مسعود پاکدل، محمدرضا سلطانی

عکس روز: رضا معظریان

با همکاری: میلاد پیامی، شکوفه هاشمیان، مهدی حسینی، رتوفه رستمی، ناصر عرفانیان، مانی لطفی‌زاده، رضا موسوی و احمد نشان

آرشیو عکس: محمد تهرانی

امور انفورماتیک: مهدی عبدالعلی‌زاده

نمونه‌خوانی و تصحیح: ساعد وثوقی با همکاری فریبا ولی‌نژاد، معصومه مهدوی و بهناز ولی‌نژاد

حروف‌نگار: ساناز صالحی، علیرضا حسین‌زاده‌نیازی

ناظر چاپ: محمد علی بهستانی

لیتوگرافی و چاپ: گنجینه هنر

با سپاس از همکاری: جلال تجنگی، محمد اطیابی و محمدرسلول صادقی

سایت ایران تئاتر: [www.theater.ir](http://www.theater.ir)

سایت بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر: [www.fitf.ir](http://www.fitf.ir)



## امروز با جشنواره

شنبه ۸۸/۱۱/۱۰

**تالار وحدت** (۱۹:۰۰) «من، یک، هرکسی بخش دوم»، یونگ، هی-کیم (مسابقه بین‌الملل / کره جنوبی) ۵۰ دقیقه.

**تالار اصلی** (۱۹:۰۰) «گالیله»، داریوش فرهنگ (میهمان بین‌الملل) ۱۲۰ دقیقه

**تالار چهارسو** (۲۱:۰۰ / ۱۸:۳۰) «عیش و نیستی»، ایرج راد (میهمان) ۸۵ دقیقه.

**تالار قشقایی** (۲۰:۰۰ / ۱۷:۰۰) «داستان یک پلکان»، رضا گوران (چشم‌انداز تئاتر ایران در سال ۸۹ و مسابقه بین‌الملل) ۸۵ دقیقه.

**تالار سایه** (۲۰:۰۰ / ۱۷:۳۰) «دوازده»، منیژه محامدی (میهمان) ۷۰ دقیقه.

**کارگاه نمایش** (۱۹:۰۰ / ۱۶:۰۰) «شام آخر»، احمد سلیمانی (تجربه‌های نو / قم) ۸۰ دقیقه.

**تماشاخانه سنگلیج** (۲۰:۳۰ / ۱۸:۰۰) «خدا در آلتونا حرف می‌زند»، مسعود دلخواه (چشم‌انداز تئاتر ایران در سال ۸۹) ۱۲۰ دقیقه.

**تالار مولوی** (۱۹:۳۰ / ۱۷:۰۰) «شرق غزل»، مهدی مکاری (میهمان) ۹۰ دقیقه.

**خانه نمایش اداره تئاتر** (۱۸:۳۰) «این عسل شهد گلی خونین است»، محسن رنجبر (جشنواره جشنواره‌ها) ۴۵ دقیقه.

**تالار هنر** (۱۸:۳۰) «موشه رو کی می‌خوره»، امیر مشهدی‌عباس (مرور تئاتر تهران در سال ۸۸) ۵۰ دقیقه.

**تماشاخانه مهر حوزه هنری** (۱۷:۰۰) «نمایشی برای جشنواره»، مجتبی رستمی فر (برگزیدگان مناطق / اهواز) ۵۰ دقیقه.

**تالار شماره دو تماشاخانه ایرانشهر** (۲۱:۰۰ / ۱۸:۳۰) «میز»، کار گروهی تئاتر کاربیدو، (مسابقه بین‌الملل / لهستان) ۵۷ دقیقه.

**تالار فردوسی** (۱۸:۳۰) «اپرای مولوی»، بهروز غریب‌پور (میهمان بین‌الملل) ۱۱۰ دقیقه.

**پارکینگ تالار وحدت** (۲۰:۳۰) «عطر زمان»، برژی زون (مسابقه بین‌الملل / لهستان) ۶۰ دقیقه.

**تالار کنفرانس مجموعه تئاتر شهر** (۱۵:۰۰) «حافظه خفاش»، فریبا ثمر (نمایشنامه‌خوانی) ۱۱۰ دقیقه.

**تالار استاد انتظامی خانه هنرمندان** (۱۸:۰۰) «دازن»، جواد پیشگر (رادیو تئاتر) ۴۰ دقیقه.

**تالار وحدت، طبقه هفتم** (۱۰:۰۰ تا ۱۳:۰۰) کارگاه «هنر ویدئو»، مدرس: دنیل کوتروکونستانز فیشیک از آلمان.

**خانه هنرمندان، سالن نیلوفر** (۹:۰۰ تا ۱۵:۳۰) کارگاه «مدیریت تئاتر»، مدرس: راجر مک‌کن از انگلستان. (این کارگاه تا روز یکشنبه، یازدهم بهمن‌ماه در همان ساعت و مکان برگزار می‌شود).

## پرده خوانی انقلاب

**تالار وحدت** (۱۸:۳۰) مرشد احدی

**تالار اصلی** (۱۸:۳۰) محسن میرزاعلی

**تالار چهارسو** (۲۰:۳۰) ابوالفضل ورمزیار

**تماشاخانه سنگلیج** (۱۷:۳۰) محمدرضا معجونی

**تالار مولوی** (حسن سرچاهی)

**تماشاخانه مهر حوزه هنری** (۱۶:۳۰) سیدبابا حیدری

**تماشاخانه ایرانشهر** (۲۰:۳۰) محمدرضا معجونی

**خانه هنرمندان** (۱۹) حسن سرچاهی

## در ضیافت بیمه نوین مطرح شد

## هنرمندان آسیب‌شناسان اجتماع‌اند



روز گذشته، ضیافت ناهار گروه‌های خارجی شرکت‌کننده در بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر با حضور سید محمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در هتل لاله برگزار شد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این مراسم با اظهار این نکته که هنرمندان ایرانی آسیب‌شناسان اجتماعی هستند، گفت: «هنرمندان ایرانی، هنر خود را برای سرگرمی و تفریح نمی‌خواهند، آنها به دنبال دردهای جامعه‌اند و همچون یک طبیب، آسیب‌شناسی و درمان می‌کنند، ما نیز به چنین هنرمندانی افتخار می‌کنیم.»

حسینی افزود: «در هر برنامه هنری، حداقل یک محور اصلی و پیام مهم وجود دارد و همه مسائل، ظواهر، اشکال و ابزارها در صحنه‌آرایی و نورپردازی و سیله‌ای برای تفهیم و تاثیرگذاری بیشتر هستند.»

وی تصریح کرد: «هنرمند یک امر معقول را پردازش می‌کند و با تخیلات، توانایی و تلاش‌های خود آن را به شکل زیبایی ارائه می‌دهد تا همگان را مجذوب

خود سازد.» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین گفت: «در جشنواره امسال، نوآوری‌هایی داشتیم، از جمله بازار تئاتر که یک رویداد مثبت تلقی می‌شود. حضور هنرمندانی از دورترین نقطه دنیا، از برزیل تا کشورهای اروپایی و آسیایی و اعضای آکو فرصت مناسبی برای تبادل تجربه‌ها ایجاد کرد.»

وی حضور هنرمندان خارجی را فرصتی برای مشاهده واقعیت‌های کشور ایران و آشنایی با روحیات لطیف مردم دانست و در ادامه حضور پررنگ گروه‌های شهرستانی را در این جشنواره اتفاقی فرخنده عنوان کرد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین گفت: «در جشنواره امسال، نوآوری‌هایی داشتیم، از جمله بازار تئاتر که یک رویداد مثبت تلقی می‌شود. حضور هنرمندانی از دورترین نقطه دنیا، از برزیل تا کشورهای اروپایی و آسیایی و اعضای آکو فرصت

## باران هم «دن کیشوت» را متوقف نکرد

روز گذشته مجموعه تئاتر شهر شاهد اجرای نمایش خیابانی دن کیشوت در زیر بارش باران بود گرچه با برپایی مراسم اختتامیه تصور می‌شد کار بخش خیابانی به پایان رسیده اما این گروه نمایشی روز جمعه نیز برای تماشاگران مشتاق مجموعه تئاتر شهر، اجرای خود را تکرار کرد و همچون روزهای عادی با استقبال خوب تماشاگران روبرو شد.

«دن کیشوت» نمایشی از علی نوریان در اولین و دومین روز جشنواره اجراهای خود را پشت سر گذاشته بود.



## آخرین روز جشنواره هم از راه رسید

## سالن‌های نمایش از ۱۳ بهمن اجراهای عادی خود را از سر می‌گیرند



تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر، «عیش و نیستی» به کارگردانی ایرج راد در تالار چهارسو، «داستان یک پلکان» به کارگردانی رضا گوران در تالار قشقایی، «دوازده» به کارگردانی منیژه محامدی در تالار سایه، «شام آخر» به کارگردانی احمد سلیمانی در کارگاه نمایش، «شرق غزل» به کارگردانی مهدی مکاری در تالار اصلی مولوی، «موشه رو کی می‌خوره» به کارگردانی امیر مشهدی‌عباس در تالار هنر و «اپرای مولوی» به کارگردانی بهروز غریب‌پور در تالار فردوسی اجرای عمومی می‌شوند.

آخرین اجراهای جشنواره بیست و هشتم تئاتر فجر امروز در ۱۷ تالار نمایش در تهران به پایان می‌رسد تا روز بعد بهترین‌های رقابت بین‌المللی این جشنواره طی مراسم اختتامیه معرفی شوند. نکته جالب توجه در این روز اجرای عمومی هشت نمایش از این بین، در ماه بهمن است که پنج نمایش آن متعلق به مجموعه تئاتر شهر و همچنین نمایش‌های تالار مولوی، تالار هنر و تالار فردوسی است که با استراحتی یک‌روزه از ۱۳ بهمن ادامه پیدا می‌کند. به این ترتیب نمایش «گالیله» به کارگردانی داریوش فرهنگ در

صحنه‌ای از تمرین نمایش گالیله



# به دنبال درک صحیحی از ریتم در بدن

گروه نمایش «دکتر فرانکشتاین» کارگاه تکنیک‌های تئاتری را برگزار کرد

**سید محسن حسن‌زاده:**  
**کارگاه آموزشی «تکنیک‌های تئاتری»**  
 به سرپرستی گروه ایتالیایی تشکیل شد. این گروه با نمایش «دکتر فرانکشتاین» در جشنواره فجر حضور دارد. پلاتو شماره یک تئاتر شهر پذیرای شرکت‌کنندگان در کارگاه بود. مربیان کارگاه اعضای ثابت گروهی هستند که ۱۷ سال است در کنار یکدیگر و در جنوب ایتالیا هنر تئاتر را پی می‌گیرند. این گروه در یک تئاتر ثابت به نام «کره‌جا» فعالیت می‌کنند و تا به حال نمایش‌های متنوعی را برای رده‌های سنی مختلف اجرا کرده‌اند. این گروه ایتالیایی ۱۷ عضو ثابت دارد و به فراخور هر نمایشی از بازیگران میهمان نیز استفاده می‌کند. این هنرمندان ایتالیایی سال گذشته نمایشی را با عنوان «باغ رؤیاها» در جشنواره تئاتر کودک اصفهان اجرا کرد که مورد استقبال مخاطبان قرار گرفت و جایزه ویژه جشنواره را از آن خود کرد.

## همه چیز به ریتم بازمی‌گردد

بعدی، یعنی زمانی که گروه جدید هم تمرین را به شکلی صحیح انجام داد، مسأله ریتم برجسته‌تر نمود پیدا کند. این بار سالواتوره از شرکت‌کنندگان می‌خواهد که هرگاه هر یک از اعضا تشخیص دادند، می‌توانند روی شماره چهار یا هشت سر جای خود بایستند و در بازگشت گروه به جمع بپیوندند. این تمرین آن قدر ادامه پیدا می‌کند تا گروه بدون شمارش و بدون درنگ برای زمانی طولانی این کار را انجام دهند.

سمت جلو می‌روند و با برگشت گام انتهایی و تبدیل آن به گام ابتدایی، جهت حرکت عوض می‌شود. مربی کارگاه توضیح می‌دهد که نفری که اعداد را می‌شمارد، باید ریتم شمارش یکنواخت و با فاصله زمانی معینی داشته باشد. تمرین شروع می‌شود. اگر چه در ابتدا ساده به نظر می‌رسد ولی رعایت آنچه که سالواتوره از اعضای هشت‌نفره خواسته، مدتی زمان می‌برد. این تمرین با گروهی دیگر و با همین تعداد تکرار می‌شود تا در مرحله

سالواتوره بعد از مشاهده تمرین‌های اولیه، ظاهراً به حقیقتی رسیده است. او از هشت نفر می‌خواهد که روی خطی مشخص در کنار هم و با فاصله‌ای معین بایستند. کارگاه در اختیار سالواتوره قرار دارد. وی توضیح می‌دهد در این تمرین گروهی، مهم‌ترین عنصر تمرکز است و شرکت‌کنندگان باید نقطه دید خود را روی خطی افقی، درست رویه روی خود نگاه دارند. تمرین اینگونه است که هشت نفر همزمان باهم با شمارش هشت گام به

## آشنایی و آمادگی بدن برای شروع

کارگاه با معرفی اعضای شرکت‌کننده آغاز می‌شود. اعضای گروه ایتالیایی علاقه‌مند هستند با فعالیت‌های تئاتری تک‌تک شرکت‌کنندگان به صورت کامل آشنا شوند. پس از این آشنایی، سرپرست کارگاه خود را معرفی می‌کند. در ابتدا، سالواتوره تراماچره کارگردان و بازیگر که به عنوان مؤسس گروه شناخته می‌شود، از خود می‌گوید تا نوبت به فابریزیو پوگلیزه برسد. او در مورد خود این‌گونه می‌گوید: «به عنوان بازیگر و از نظر فیزیکی و بدن، ۱۹ سال است با این گروه همکاری می‌کنم و قبل از این هم تجربه کاری با گروه‌های دیگر را داشتم.» نفر آخر «فابریزیو ساکومان» است که زمان همکاری خود را با گروه سال‌ها پیش می‌داند. او توضیح می‌دهد که در زمینه نمایشنامه‌نویسی و کارهای فنی هم فعالیت می‌کند. ساکومان شرکت‌کنندگان را به وسط پلاتو فرامی‌خواند و با این توضیح که کمتر صحبت کنید و فقط با نگاه حرکات بدنی را تشخیص دهید و تمرین‌های خود را آغاز می‌کند. به گفته او آن چه در تمرین‌های اولیه بدنی اهمیت دارد، به جریان انداختن ریتم و حفظ آن در بدن است.

وی بعد از آن که این موضوع را به صورتی عملی در بین شرکت‌کنندگان می‌بیند، از آن‌ها مشارکت می‌طلبد؛ به این صورت که در حین حرکت به سمت هر فردی، او باید به مرکز دایره بیاورد و تمرین را ادامه دهد تا فردی که در شعاع دایره قرار دارد، فرد دیگر را بطلبد. این تمرین مشارکتی کاملاً بر مبنای ریتمی است که شرکت‌کنندگان می‌شنوند. زمانی که حفظ ریتم در بدن دیده نمی‌شود، فابریزیو ساکومان دخالت کرده، رعایت ریتم را گوشزد می‌کند.

## هدف، تبادل فرهنگ‌ها است

ساعت نزدیک یک بعد از ظهر و زمان کارگاه رو به پایان است. سالواتوره از شرکت‌کنندگان می‌خواهد حول یک دایره در کنار هم بایستند. بعد از آن که دایره شکل گرفت، او با نگاهی به فابریزیو ساکومان از وی می‌خواهد تا آهنگی فولکلوریک را بخواند. آواز فابریزیو ساکومان با استقبال پرشور شرکت‌کنندگان روبه‌رو می‌شود. سالواتوره توضیح می‌دهد که این آهنگ آوازی محلی است در جنوب ایتالیا، جایی که آن‌ها زندگی می‌کنند. این بار سالواتوره از شرکت‌کنندگان می‌خواهد که آن‌ها نیز یک آهنگ فولکلوریک را بخوانند که این اتفاق می‌افتد و او بعد از رضایت از این آواز محلی، توضیح می‌دهد که کار همه ما در این کارگاه تبادل فرهنگ‌ها است.

وی در جملات پایانی خود تأکید می‌کند که گروه ایتالیایی مربیان کارگاه نیستند و قرار است در این محل همه از یکدیگر بیاموزند. به همین دلیل سالواتوره از شرکت‌کنندگان می‌خواهد برای فردا اگر تکه‌ای نمایشی یا تمرین خاصی دارند، آماده کنند تا به صورت گروهی انجام دهند.



## تکثیر ریتم در صوت و بدن

در ادامه این کارگاه، با توضیحات سالواتوره تمرین شکل کامل‌تری می‌گیرد. پوگلیزه و ساکومان نیز به جمع اضافه می‌شوند. در ابتدا، به صورت عملی فابریزیو ساکومان شکل جدید تمرین را انجام می‌دهد تا بعد از آموزش، گروه هشت نفره به او ملحق شوند. وی بعد از چند بار قدم برداشتن به همان شکل اولیه تمرین، قسمتی از فرم بدن یا صورت را در حین تمرین عوض می‌کند. گروه بعد از تفهیم تمرین، با فابریزیو همگام می‌شوند و بعد از مدتی صدا هم به تمرین اضافه می‌شود. اعضای دخیل در تمرین با نوایی مناسب با ریتم بدنی و حرکتی خود می‌نوازند و به خواسته سالواتوره، مدام این نواها تغییر پیدا می‌کند. شکل کامل شده این کار گروهی با تعدادی دیگر، این بار با حضور فابریزیو پوگلیزه انجام می‌شود.







سلطان عثمانف، نویسنده و کارگردان «روز درازتر از شب»

## انسان‌های بدون خاطره در بلندترین روز قرن

سلطان عثمانف  
سابقه ۳۰ ساله  
کارگردانی و  
بازیگری در تئاتر  
تاجیکستان و  
روسیه را دارد.  
او دغدغه دنیای  
امروز را انسان  
و درونیاتش  
می‌داند و انسان  
از خودبیگانه را  
تنها تصویری از  
یک موجود به نام  
«انسان» می‌داند  
نه چیزی بیشتر.  
سلطان عثمانف با  
نمایش «روز درازتر  
از شب» در بخش  
ملل جشنواره  
حضور دارد.

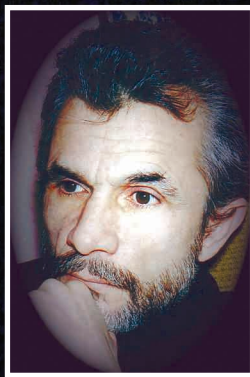
این فشار، عقل فرد زایل می‌شود و او دیگر هیچ حافظه و خاطره‌ای ندارد. فرد گمشده‌ای است که حتی خود را نمی‌شناسد، غلامی ماشینی که فقط ارباب خود را می‌شناسد.

این عمل وحشیانه در نمایش ما نشان داده می‌شود و این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان بر موجودی که دیگر خاطره‌ای ندارد و مهر و محبتی را نمی‌شناسد و وطن خود را فراموش کرده و ... نام انسان نهاد؟

شباهت تئاتر ایران و تاجیکستان و تفاوت‌هایی که میان آن‌ها وجود دارد را چطور می‌بینید؟

این دو کشور که زمانی در یک سرزمین واحد بودند و حالا به دو قسمت مجزا تبدیل شده‌اند، فرهنگ، آداب و رسوم و زبان مشترک خود را کاملاً حفظ کرده‌اند. این عوامل بیشترین شباهت را ایجاد می‌کند. اما تفاوت‌هایی که وجود دارد بازمی‌گردد به نمود تئاتر در ایران که نسبت به تاجیکستان تنوع زیادی دارد. عدم تنوع تئاتر تاجیکی به خاطر تأثیر گرفتن از مکتب شوروی است که مبدأ مشترک برای همه کشورهای استقلال‌یافته شوروی محسوب می‌شد.

بیابان‌های آسیای مرکزی که در جنگی مداوم با قبایل همسایه است، پس از هر جنگ اسیران را به بیابان سوزانی می‌برد و سرشان را از ته می‌تراشد و پوست شتر بر سرشان می‌کشد و سپس بی‌آب و غذا آن‌ها را در بیابان با دست و پای بسته رها می‌کند. اگر اسیر خوشبخت باشد، تسلیم شرایط می‌شود و می‌میرد؛ اما اگر مقاومت کند و زنده بماند، به مرور این پوست بر اثر تابش زیاد نور خورشید خشک می‌شود و سر او را تحت فشار قرار می‌دهد. پس از مدتی بر اثر



**موضوع نمایش**  
**«روز درازتر از شب»**  
**به نحوه برخورد قبایل**  
**بیابان‌های آسیای**  
**مرکزی با اسرای جنگی**  
**در زمان‌های بسیار دور**  
**می‌پردازد**

سال گذشته با نمایشنامه «رستم و سهراب» در جشنواره فجر شرکت کردم و نمایشمان توانست جایزه بهترین نمایش را هم به خود اختصاص دهد.

**از نمایش گروه‌هایی که امسال در جشنواره حضور دارند، به دیدن چند اثر نشسته‌اید و در مجموع، جشنواره را نسبت به سال گذشته چطور می‌بینید؟**

جز نمایش «فرگوز» از قزاقستان، متأسفانه هیچ کار دیگری را ندیدم؛ گرچه علاقه‌مند بودم، اما به خاطر زمان کمی که برای آماده‌سازی اجرای خودمان داشتیم، نتوانستیم نمایشی را ببینیم. به همین جهت، نمی‌توانم نظر صحیح و مشخصی درباره کیفیت جشنواره بدهم. اما به‌طور کلی نقطه قوت این جشنواره حضور گسترده گروه‌های نمایشی ایرانی و خارجی است، این وسعت دلیلی بر کیفیت بالای جشنواره است که باعث شناخت تئاتر نیز می‌شود. این شناخت ارتباط هنری را افزایش می‌دهد و از طرفی در جذب مخاطب قدرتمندتر عمل می‌کند.

**بن‌مایه اصلی تئاتر شما بر چه مبنایی است؟**

این نمایش تلفیقی از دیالوگ، موسیقی، حرکت و در مجموع تمام تکنیک‌های مورد استفاده در یک نمایش است.

**از موضوع نمایش بگویید؟**

این نمایش از روی اثر «روزی درازتر از قرن» («دوراهی گمراهی») ساخته شده و توانسته ۵ جایزه از ۹ جایزه جشنواره تئاتر قرقیزستان را کسب کند.

این نمایشنامه یک خودشناسی فردی را نشان می‌دهد که به دوران‌های بسیار دور مربوط می‌شود. یکی از قبایل

چگونه وارد عرصه تئاتر شدید؟ شروع کارم ۳۰ سال پیش با بازیگری در تئاتر بود. به خاطر شوق و علاقه زیادی که به این هنر احساس می‌کردم، تحصیلات دانشگاهی‌ام در باب کارگردانی را در مسکو گذراندم. همزمان به کار نیز مشغول بودم. ابتدای فعالیت حرفه‌ای من با کارگردانی

تئاتر - موسیقی بود. سپس در زادگاهم به دنبال تئاتر اپرا رفتم، پس از ۱۰ سال، به تئاتر روسی‌زبان تاجیکستان دعوت شدم و ۱۰ سال هم در آنجا کار کردم. در ۱۰ ساله سوم کاری‌ام، تئاتر جوانان برایم محوریت پیدا کرد.

**با سابقه طولانی که در تئاترهای مختلف کسب کرده‌اید، از سبک خاصی پیروی می‌کنید؟**

تمام این سبک‌ها به دلیل آن که از مکتب مشخص شوروی منشعب می‌شوند، دارای شباهت‌های فراوانی هستند، خصوصاً که قرقیزستان و قزاقستان یک کشور محسوب می‌شدند. پس از فروپاشی شوروی که این دو تبدیل به دو کشور مجزا شدند، هنوز هم آن فرهنگ و هنر مشترک خود را حفظ کرده‌اند. این شباهت چه در بازی‌ها و چه در نحوه کارگردانی محسوس و عینی است. پس باید گفت نمایش‌هایی که با اصول و قواعد متفاوت کارگردانی کرده‌ام، همه در یک راستا بودند.

**چندمین حضورتان در جشنواره تئاتر فجر است؟**





# به دنبال خواهر خوانده‌ای برای سنگلج

اتانک نادری، مدیر تماشاخانه سنگلج:

تماشاخانه سنگلج خاستگاه تئاتر ملی کشور است و ما در ابتکاری که برای اولین بار طراحی شده است، با گروه‌های یونان و ترکیه برای خواهرخواندگی تالاری که با سنگلج در یک دوره باشند، رایزنی کرده‌ایم. این ابتکار از سوی دوستانمان در روابط عمومی تماشاخانه بود و امیدوارم هرچه زودتر به نتیجه برسد.

تئاتر زبان صلح است و خواهرخواندگی دو تالار نمایشی به نشانه پیمان دوستی تئاتر دو کشور، می‌تواند یکی از دستاوردهای جشنواره تئاتر فجر باشد.

تلاش کردیم در بیست و هشتمین جشنواره تئاتر فجر حضوری متفاوت و پررنگ داشته باشیم. نظم سالن و کارکنان، تجهیز و تعمیر سیستم‌های نوری و صوتی، رنگ‌آمیزی سن و زیباسازی سالن، نصب بنرهای ایستاده تبلیغاتی، ساخت آجرنمای کاشیکاری شده برای محل تبلیغات، گسترش فضای تبلیغی تماشاخانه در خیابان بهشت و ضلع مقابل خیابان، همچنین تغییر مبلمان از جمله اقدام‌هایی بوده که پیش از جشنواره انجام گرفته است تا محیطی راحت و دلنشین را برای مخاطبان، مهمانان و شرکت‌کنندگان جشنواره ایجاد کنیم. این همه میسر نمی‌شد، مگر با حمایت شهرداری منطقه ۱۲.

امسال به نسبت سال گذشته تعداد بیشتری از نمایش‌های خارجی را میزبانی کردیم و تعداد نمایش‌های خارجی ما از دو به چهار اثر افزایش یافت. حضور سفرای کشورهای خارجی در سنگلج نیز از جمله اتفاقاتی است که برای این تماشاخانه بود.

همچون سال‌های گذشته لوح یادبود تماشاخانه را به عنوان هدیه دوستی فرهنگی به گروه‌های خارجی اهدا کردیم و شاهد بودیم که از دریافت آن مسرور بودند.

دیگر این‌که تغییر فضای کافه تئاتر و غنی شدن کتابخانه سنگلج را نیز باید از جمله دستاوردهای دوستانمان در این تماشاخانه معرفی کنم که تمام تلاش‌ها را کرده‌اند تا سالی درخشان را برای این مکان تئاتری رقم بزنند. تقویم سال ۸۹ را نیز با مجموعه‌ای از عکس‌های قدیمی تئاتر سنگلج در هم آمیختیم تا یادگاری زیبا برای هنرمندان و خبرنگاران جشنواره بیست و هشتم تئاتر فجر باشد.

اما در آخرین روزهای جشنواره تئاتر فجر، جا دارد از برنامه‌های آینده تالار نیز صحبت شود. پس از جشنواره تنها یک نمایش روی صحنه می‌رود و سال بعد را با اجرای نمایش‌های آیینی - سنتی که در تعهد دبیرخانه بوده است، آغاز خواهیم کرد. درعین حال ثبت روز ملی تئاتر را پی می‌گیریم تا با تصویب شورای فرهنگ عمومی، همزمان با روز تولد تماشاخانه سنگلج مقرر شود.



**حضور سفرای کشورهای خارجی در سنگلج، از جمله اتفاق‌های ارزشمند برای این تماشاخانه بود**

# دقت بیشتر و کاهش اشتباهات، دو ویژگی کتاب جشنواره

مسعود پاکدل، سردبیر کتاب جشنواره:

یکی از بخش‌های مهم هر جشنواره‌ای بخش‌های نوشتاری و نشریات وابسته به آن از جمله کتاب جشنواره است که در حقیقت یک مرجع راهنما برای شرکت‌کنندگان به‌شمار می‌رود تا با کم و کیف نمایش‌ها آشنا شوند. مسعود پاکدل یکی از عکاسان حرفه‌ای و خوش‌نام تئاتر و سینما است که در این چند سالی که وظیفه سردبیری کتاب جشنواره را بر عهده داشته، به بهترین کیفیت ممکن این مسئولیت را انجام داده است.

از چه سالی سردبیری کتاب جشنواره تئاتر را بر عهده گرفتید؟

مجید شریف‌خدایی، مدیر مرکز هنرهای نمایشی، در سال ۱۳۷۹ توسط برادرم حسین پاکدل از من دعوت کرد تا اولین کتاب جشنواره تئاتر را منتشر کنم. تا پیش از این، فقط نشریه روزانه در هنگام برگزاری جشنواره تئاتر فجر منتشر می‌شد. در سال اول، چون در شروع کار بودیم، هماهنگی و انتشار کتاب دشوار بود و حدود چهار روزی از برگزاری جشنواره گذشته بود که کتاب آن آماده شد. در ادامه، سه سال پیاپی کتاب جشنواره را منتشر کردیم و بعد از وقفه‌ای چندساله دوباره از سال ۱۳۸۷ انتشار آن را ادامه دادیم.

برای انتشار یک کتاب استاندارد باید به چه عواملی توجه داشت؟

وجود یک گروه حرفه‌ای و ثابت یکی از مهم‌ترین عواملی است که باعث می‌شود نتیجه کار ساختار حرفه‌ای و خوبی داشته باشد. معتقدم کتاب جشنواره امسال یکی از بهترین‌ها است چون توانستیم به ۸۰ درصد از خواسته‌ها، قبل از آغاز چاپ دست پیدا کنیم.

ویژگی‌هایی که کتاب امسال را از دوره‌های گذشته متمایز می‌کند، چیست؟

دقت بیشتر و کاهش اشتباهات فنی و نوشتاری از جمله این ویژگی‌ها است. البته به علت فرصت محدود انتشار و شتاب کار، بروز برخی از اشتباهات اجتناب‌ناپذیر است.

اگر مقایسه‌ای با کتاب‌های جشنواره‌های معتبر تئاتری داشته باشیم، کتاب فجر در چه جایگاهی قرار می‌گیرد؟

امسال سطح کیفی کارمان از بسیاری از کتاب‌های خارجی بهتر بوده است.

بر اساس چه ضرورتی کتاب جشنواره در دو قطع عادی و پالتویی به چاپ رسیده است؟

چاپ قطع پالتویی را سال گذشته پیشنهاد دادیم، زیرا کتاب قطع بزرگ چندان کاربردی نیست و نمی‌توان به راحتی آن را جابه‌جا کرد. اما قطع پالتویی به دلیل حجم کم، به‌خصوص برای خبرنگاران بسیار قابل استفاده است.



**سطح کیفی کتاب جشنواره امسال از بسیاری کتاب‌های خارجی بهتر بوده است**



# تازمانی که حمایت نشویم، روی صحنه هستیم

داریوش فرهنگ، کارگردان «گالیله»:

بازگشت داریوش فرهنگ به تئاتر آن هم پس از ۳۰ سال، اتفاق کوچکی نیست؛ به خصوص که رونمایی از این اتفاق بزرگ در جشنواره تئاتر فجر صورت بگیرد. امروز فرهنگ دوباره اعضای «پیاده» و رفقای قدیمی را صدا زده تا با هم به عرصه تئاتر برگردند. در بازگشت مجدد او به تئاتر، امین تارخ و مسعود کرامتی نیز با تئاتر آشتی دوباره‌ای کرده‌اند و حاصل همه این اتفاق‌های خوب، قرار است امروز دیده شود.

قطعا برای همه آنهایی که کارهای شما را دنبال می‌کنند، بازگشت مجدد داریوش فرهنگ به تئاتر آن هم پس از ۳۰ سال، اتفاق خاصی است. چه شد که این اتفاق رخ داد؟ دوست داشتیم روزی که به تئاتر برمی‌گردیم، اثری را که با تمام وجود دوست داریم، ارائه دهیم و مترجم افکار دیگران نباشیم. کاستی‌هایی که در تئاتر وجود دارد و بحران‌های مدیریتی و اقتصادی که طی این سال‌ها در تئاتر وجود داشته، همواره سبب شده بود که من ۳۰ سال از آن دوری کنم. اما اکنون تصمیم گرفته‌ام تا زمانی که از اثرم حمایت صورت می‌گیرد، روی صحنه باشم. با این نمایش سعی داشتیم اثری را مناسب با فضای اجتماعی و زمان حال ارائه دهیم که به نوعی حق مطلب برای مخاطب ادا شود. هیچ وقت وسوسه نشدید علی‌رغم وضعیتی که از تئاتر ترسیم کردید، به آن برگردید؟

**دوست داشتیم روزی که به تئاتر برمی‌گردیم، اثری را که با تمام وجود دوست داریم ارائه دهیم و مترجم افکار دیگران نباشیم**

همان‌طور که گفتیم همیشه دوست داشتیم وقتی به تئاتر برمی‌گردیم، افکار خود را بیان کنیم و مترجم افکار دیگران که سبب ترویج وجه حقیرانه تئاتر می‌شود، نباشیم. البته من سال‌ها پیش نمایشنامه «ننه دل‌آور» را که موضوعی در ارتباط با جنگ داشت، برای اجرا پیشنهاد دادم اما بعد به دلیل این که شرایط اجرایی این نمایش مناسب آن زمان نبود، از اجرای صرف‌نظر کردم. البته همواره از جانب اداره کل هنرهای نمایشی پیشنهادهایی برای اجرای نمایشی جدید داشتیم. از جمله ویژگی‌های «گالیله» حضور مسعود کرامتی و امین تارخ در این نمایش است که هر دو پس از سال‌ها به تئاتر برگشته‌اند. در مورد نحوه انتخاب بازیگران این اثر بیشتر توضیح می‌دهید؟ در «گالیله»، بازیگرانی از نسل‌های متفاوت به ایفای نقش می‌پردازند. کوشیدیم به تبع نوشته و شخصیت‌هایش، بیش از این که بهترین و برترین

بازیگران را برگزینیم به دنبال چهره‌های مناسب باشیم و با استناد به سلیقه، دانش و فهم آن‌ها (که نیاز ایفای نقش در این نمایشنامه روشنفکرانه است) عمل نماییم. بنابراین خوشحالم شرایطی به وجود آمد که توانستیم از وجود مسعود کرامتی و امین تارخ در این نمایش بهره ببریم. چقدر در اقتباسی که از نمایشنامه برشت انجام دادید، به اصل اثر وفادار ماندید؟ «گالیله» ما تقابل عقل و جهل و جامعه نوین و کهنه است. در صحبتی که با سعید شاهسواری داشتیم، قرار شد برداشتی آزاد از نمایشنامه «گالیله» انجام دهیم و سعی داشتیم تا این نمایشنامه بیانگر افکار و سلیقه‌های خودمان باشد. البته من به دلیل دوری از متن کسل‌کننده اولیه و زمان زیاد این نمایش، تغییراتی در آن ایجاد کردم تا مناسب شرایط زمانی حاضر باشد، از این‌رو در آن، از عناصر فیلم نیز بهره بردم.





رضا گوران، کارگردان «داستان یک پلکان»:

## روایتی عاشقانه از گوشه و سطح

رضا گوران بعد از اجرای نمایش هایی چون «می خواهم بخوابم» و «یرما» که هر دو دارای روایت های متفاوتی بودند، در جشنواره بیست و هشتم با نمایش «داستان یک پلکان» نوشته آنتونیو بوئیرو و پایخو در بخش مسابقه بین المللی و چشم انداز حضور دارد. او معتقد است در این نمایش تماشاگر قرار است روایتی جدید از ادبیات و اجرا را ببیند.



با امکانات ما در داخل قابل مقایسه نیست. اما نکته مهم در روح اثر است. به نظرم آثار ایرانی از روح بسیار قوی تری برخوردارند. به همین دلیل لذتی که به شخصه از اجرای این نمایش در ایران می برم، با هیچ جای دنیا برایم قابل مقایسه نیست. روح تئاتر در ایران آن قدر قوی است که روی ارتباط کارگردان با بازیگر، بازیگر با صحنه و صحنه با تماشاگر تأثیر عمیقی می گذارد. این ارتباط را در هیچ جای دنیا نمی توان یافت. البته امکانات خارج از کشور را نیز در ایران نمی شود یافت.

امسال بزرگان زیادی از تئاتر، در جشنواره حضور دارند، به خصوص این که برخی پس از سال ها به تئاتر برگشته اند. نظرتان در مورد جشنواره بیست و هشتم چیست؟

در جشنواره بیست و هشتم، گروه ها و نام های بسیار بزرگی حضور دارند، نتیجه این که این جشنواره می تواند به تئاتر کشور کمک کند. اصولاً برگزاری یک جشنواره در همه جای دنیا می تواند فرهنگ ها و آدم های مختلف را به همدیگر نزدیک کند. البته به شرطی که در یک شرایط خوب و استاندارد برگزار شود و هدف های بالاتری نسبت به برگزاری صرف آن دنبال شود.

ایران و خارج از آن توضیح دهید.

من برای نمایش «آدم آدم است» از سوی یک تهیه کننده هلندی به این کشور دعوت شدم که وقتی از نزدیک امکانات آن ها را دیدم متوجه شدم به هیچ عنوان

**پیش از این در نمایش هایم نوعی تئاتر شخصی تر را تجربه کرده بودم، اما در این اثر کوشیدم به مخاطب دیگری توجه کنم که به هیچ عنوان از لفظ عام برای آن استفاده نمی کنم.**

فجر و از بهمن ماه نیز این نمایش اجرای عمومی خود را از ساعت ۷ شب در تالار قشقایی آغاز خواهد کرد. این امر به ارتقای کیفیت نمایش کمک زیادی خواهد کرد. شما از جمله کارگردانان جوانی هستید که در چند سال گذشته در جشنواره تئاتر فجر حضور داشته اید. برگزاری این جشنواره و حضور در آن چقدر برای گروه های تئاتری اهمیت دارد؟

در همه جای دنیا برای جشنواره ها اهمیت زیادی قائل اند و گروه های تئاتری اگر قرار است با شرایط حرفه ای کنار بیایند، باید با شرایط تئاتر امروز خود را وفق دهند؛ چرا که در تئاتر امروز سرعت حرف اول را می زند. البته این را هم قبول دارم که به خاطر عدم امکانات کافی اجراهای ما تحت تأثیر قرار می گیرد، ولی همه مخاطبان تئاتر به این قضیه آگاه هستند که گروه ها در چه شرایطی کارهای خود را اجرا می کنند. به اعتقاد من مهم ترین ویژگی ای که جشنواره برای تئاتر دارد این است که نشان می دهد تئاتر در کشور ما هنوز زنده است. شما اجراهای متعددی نیز در خارج از کشور داشته اید، در خصوص شرایط متفاوت کار در

اثر روایت متفاوتی از تئاتر را می بیند، چه در حوزه ادبیات، چه در حوزه نمایش و چه در شیوه اجرا. می توان گفت «داستان یک پلکان» برای هر مخاطبی جذاب است. در نمایش شما، مخاطب قرار است چه چیزی را تماشا کند؟

«داستان یک پلکان» در مورد زندگی سه خانواده است که از زاویه دید یک پلکان روایت می شود. در این اثر، داستان زندگی سه خانواده و سه نسل متفاوت نمایش یا در واقع تکرار می شود. من قبلاً در نمایش های «می خواهم بخوابم» و «یرما» نوعی تئاتر شخصی تر را تجربه کرده بودم، اما در این نمایش کوشیدم به مخاطب دیگری توجه کنم که به هیچ عنوان به خودم اجازه نمی دهم از لفظ عام برای آن استفاده کنم.

با توجه به تازگی های روایت در کارتان، فکر می کنید نمایش چقدر توسط مخاطبان جشنواره مورد استقبال قرار گیرد؟ درون مایه اثر با توجه به این که تم عاشقانه ای نیز دارد، بسیار جذاب است. همین موضوع کمک می کند تا مخاطب با اثر ارتباط برقرار کند. ضمن این که پس از جشنواره

آیا «داستان یک پلکان» در ادامه تجربه های گذشته شماست؟ این نمایش بر اساس نمایشنامه آنتونیو بوئیرو و پایخو نوشته شده است. البته اقتباس کاملی از اثر صورت نگرفته زیرا ما سعی کرده ایم تنها به درون مایه آن وفادار باشیم. این نمایش شیوه متفاوتی از روایت در تئاتر ایران است. در مورد شیوه اجرای کار بیشتر توضیح دهید.

مهم ترین گره نمایش «داستان یک پلکان» مربوط به شیوه اجرای آن توسط گروه است، زیرا مخاطب تا آخرین لحظه نباید اطلاعاتی در مورد نحوه اجرای اثر داشته باشد، چرا که غافلگیری مخاطب در این نمایش از هر چیزی مهم تر است. البته غافلگیری نه به معنای سورپرایز کردن دوست داشتیم روایت جدیدی را تجربه کنیم که در آن مخاطب با گوشه های تازه ای از نمایش آشنا شود. البته «داستان یک پلکان» یک روایت غیر معقول و پیچیده نیست، اما دوست داشتم تماشاگر زبان جدیدی را از تئاتر تجربه کند و امیدوارم بتوانم مخاطبان جدیدی را به دست بیاورم چرا که مخاطب ما در این نمایش تنها مخاطب تخصصی تئاتر نیست. به هر حال، تماشاگر در این





مسعود دلخواه، کارگردان نمایش «خدا در آلتونا حرف می‌زند»:

## تصویری شاعرانه از داستان‌های تراژیک

«خدا در آلتونا حرف

می‌زند» دومین تجربه کارگردانی مسعود دلخواه از نمایشنامه‌های محمد ابراهیمیان است. این کارگردان در سال ۷۶، نمایشنامه «طوبی در جنگ» را از این نویسنده در جشنواره تئاتر دفاع مقدس روی صحنه برد که برگزیده منتقدان شد. نمایش «خدا در آلتونا...» داستان پدری را روایت می‌کند که می‌خواهد پس از ۱۵ سال پسرش را که برای تحصیل به آلمان رفته است، ملاقات کند؛ اما زمانی که در ایستگاه قطار آلتونا در آلمان منتظر پسرش می‌شود، او نمی‌آید و داستان با فلش‌بک‌هایی به گذشته و برگشتن به زمان حال ادامه می‌یابد. به بهانه اجرای این نمایش در بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر و ادامه اجرای این اثر در تماشخانه ایرانشهر گفت‌وگویی با مسعود دلخواه و محمد ابراهیمیان داشتیم.



چندی است به اجرای نمایشنامه‌های ایرانی گرایش پیدا کرده‌اید. دلیل این امر چیست؟  
من فکر می‌کنم هر کارگردانی وقتی می‌خواهد نمایشنامه‌ای را انتخاب کند، به ایرانی یا خارجی بودن آن اهمیت نمی‌دهد. برای من مهم‌ترین معیار این است که آن متن چه امکاناتی برای بروز خلاقیت در اختیار کارگردان می‌گذارد. آیا متنی است که ظرفیت کشف و شهود بیشتری را در اختیار گروه و بازیگران می‌گذارد، شیوه‌های خلاقانه بیشتری را ارائه می‌دهد و مهم‌تر از همه این که آیمای تواند با مخاطب ارتباط خوبی برقرار کند؟  
این نمایشنامه کدام یک از قابلیت‌هایی را که اشاره کردید، دارد؟

**این نمایشنامه از داستان رستم و سهراب الهام گرفته شده است. با این تفاوت که تراژدی فردوسی به پسرکشی ختم می‌شود، ولی در این اثر مدرن به طور غیرمستقیم به پدرکشی اشاره می‌شود**

گرفت، کوشیدم درونیات ذهن پدر را تا حد امکان به تصاویر تئاتری نزدیک کنم؛ ضمن آن که گذشته، حال و آینده را با فلش بک و فلش‌فوروادهای متعدد کنار هم قرار دادم تا ذهن مخاطب آن‌ها را از طریق تصاویر کنار هم بچیند، نه فقط با شنیدن.

**نگران عدم ارتباط تماشاگر با اثرتان نیستید؟ ذهن همه تماشاگران با چنین ساختار شکنی‌هایی آشنایی ندارد.**

در طول تمرین‌ها همیشه خودم را به جای مخاطب متوسط می‌گذارم و هر جا که به نظر مبهم باشد، تصحیح می‌کنم. اما به نظر داستان ظاهری ساده دارد و بیشتر تماشاگران نیز با داستان رستم و سهراب آشنایند. پس اینطور پیش‌بینی کردم که تماشاگر از ابتدا می‌داند که تعدادی بازیگر در حال بازی هستند و فاصله‌گذاری‌ها هم برای درک دو داستان در نظر گرفته شده است. پس آن‌ها به خوبی با داستان همراه می‌شوند. اما این که چه اتفاقی روی می‌دهد که پدر به یک پایان تراژیک می‌رسد را با یک شیوه خلاقانه و شاعرانه نشان می‌دهم.

**ظاهراً تغییراتی در گروه بازیگران و گروه تولید داشته‌اید.**

بله، در بخش بازیگری به غیر از خودم، محبوبه بیات، سید میثم مطهری، نقی سیف جمالی و آزاد گرجی بازی دارند. ابراهیم حقیقی نیز طراح صحنه، پوستر و بروشور این نمایش است. سیدمیثم مطهری به عنوان دستیار دوم کارگردان و فروغ سجادی نیز به عنوان مسئول روابط عمومی در این پروژه تئاتری حضور دارند. در بخش نوازندگان نیز می‌توانم از حسین پیشکار، آناهیتا ایزدی پارسا، سحر کارگر و آزاد گرجی نام ببرم.

در مورد این نمایشنامه باید بگویم به عقیده من یک نگاه تازه و مدرن به رابطه پدر و پسر دارد که از داستان رستم و سهراب الهام گرفته شده است. با این تفاوت که تراژدی فردوسی به پسرکشی ختم می‌شود، ولی در این اثر مدرن به طور غیرمستقیم به پدرکشی اشاره می‌شود. این ظاهر ماجرا است، چرا که مسأله اصلی تقابل دو نسل و همچنین بررسی شرایط و بستر اجتماعی است که این اتساق در آن رخ می‌دهد. داستان بر محور وضعیت پسری می‌چرخد که به خاطر دور بودن از خانواده و فرهنگ ایرانی، برای پدرش شخصیتی کاملاً غریبه است و لذا نمی‌تواند با هم رابطه برقرار کند. پسر خیلی راحت با برخی مسائل برخورد می‌کند، اما پدر مدام درگیر خاطرات گذشته و شخصیت‌هایی است که در زندگی آن‌ها حضور داشته‌اند. این وقایع به صورت یک خط داستانی روایت نمی‌شود، بلکه مدام رفت و برگشت به گذشته و حال را داریم.

از شیوه کارگردانی برای اجرا و تصویری کردن این متن روایی که یک خط داستانی واحد ندارد، برایمان بگویید؟  
کاملاً درست اشاره کردید. این متن بسیار قصه‌گو و فاقد تصویر بود. بنابراین، دراماتورژی و بازخوانی که صورت

کاست به مدت ۳ ساعت اجرا کنیم. اما دکتر دلخواه به صراحت اعلام کرد که می‌تواند از همین اثر یک نمایشنامه با یک شیوه اجرایی دیگر اجرا کند و این از ویژگی‌های این نمایشنامه است که می‌تواند از منظرهای مختلف به صحنه بیاید.

**کارگردان‌های دیگری هم پیشنهاد اجرای این متن را به شما داده بودند؟**

این نمایش پنج سال است که قرار است به صحنه بیاید. پیش‌تر بهروز غریب‌پور نیز قرار بود آن را اجرا کند که با توجه به شناختی که از ایشان دارم، مطمئنم اجرای باشکوهی می‌شد. آرزو می‌کنم این نمایشنامه آنچنان گستره داشته باشد که کارگردان‌های دیگری هم اجراهای متفاوتی از آن داشته باشند.

**این نمایشنامه حدیث نفس خودتان نیست؟**

چرا که نه! این اثر حاصل و عصاره همه زندگی من است و در حقیقت وصیتنامه من برای نسل دیروز و امروز است. تصور می‌کنم برای شناخت دنیای جوانان امروز و ایجاد تفاهم و ارتباط عمیق با آن‌ها، باید از خود گذشت؛ چون آینده متعلق به نسل جوان است. در نمایشنامه ما هم اگرچه به دوران پدرکشی رسیدیم، اما پدر به پسر حق می‌دهد و با فداکردن خود سعی می‌کند فاصله

گفت و ...  
در بیشتر کارهایم سعی کرده‌ام با آزادی ذهن و پرواز اندیشه جریانی میان رئالیسم و سوررئالیسم ایجاد کنم. طوری که سدی در مقابل قلم ایجاد نکنم و مخاطبم را به هزار توهای ذهن سیال انسان راهنمایی کنم. در چنین فضایی است که درام‌نویس می‌تواند به یک سیر و سفر اشرافی دست پیدا کند. کوشیده‌ام ادبیات نمایشی ایران را با سوررئال سه‌رودی تلفیق کنم. به همین دلیل در سیر و سفر اشرافی که پدر در این نمایشنامه دارد، به شناختی از خدای درونش دست پیدا می‌کند. او در بخش زیادی از نمایشنامه از زمین کنده می‌شود و در پایان می‌بینیم که در شب تولد مسیح عروج می‌کند. درحقیقت، به دنبال معاصر سازی اسطوره‌ها بودم؛ یعنی کشف نقش ناپیدای تقدیر در داستان رستم و سهراب، پرداختن به یک رستم در عصر ما و یک سهراب معاصر و پرکردن فاصله میان دو نسل که همیشه وجود داشته است.

**چرا خودتان نمایش را کارگردانی نکردید؟**

در این صورت، مطمئناً سبک دیگری را انتخاب می‌کردم و در عین حال، شیفتگی‌ام نسبت به آنچه حاصل ۱۰ سال نوشتن بود، وادارم می‌کرد آن را مو به مو و بدون کم و

«خدا در آلتونا حرف می‌زند» با رویکرد سییال ذهن نوشته شده؛ ایده این نمایشنامه از کجا آمده است؟

فکر می‌کنم پیشینه رئالیسم جادویی در ادبیات کلاسیک ایران، به‌ویژه در آثار سه‌رودی از جمله «غربت غربی» به خوبی پیداست. اگرچه رئالیسم جادویی در ادبیات آمریکای لاتین مطرح شده، اما با رجوع به آثار ابوسعید، عین‌القضاة، عطار و حتی فردوسی نمونه‌های آن در ادبیات ایران دیده می‌شود.

سوررئالیسمی که در آثار شیخ اشراق وجود دارد، شاید شگفت‌انگیزترین سوررئالی باشد که در ادبیات جهان وجود دارد، اما متأسفانه در ادبیات معاصر ما، از سال‌های ۴۰ و ۵۰ که زمان نرواج پیدا کرد، گرایش‌ها تنها به سبک رئالیسم سوق یافت. فکر می‌کنم که سبک رئالیسم دوران طولانی را سپری کرده است و مخاطبان ادبیات ما دیگر از آن خسته شده‌اند. آیا گرایش شما به شکستن خط زمانی روایت، تنها ناشی از این مسأله بوده است؟

همیشه در حال کشف رمز و راز عرفانی که در این آثار کلاسیک مطرح شده نیز بوده‌ام. مثلاً سال‌ها به این مسأله می‌اندیشیدم که چرا منصور حلاج «أناالحق»

محمد ابراهیمیان، نویسنده نمایشنامه «خدا در آلتونا حرف می‌زند»:

نمادی از سهراب‌های دیروز و بر دیاب‌های امروز



میان نسل‌ها را بر کند. در پایان نیز با فدا شدن پدر می‌بینیم یک وحدت میان نسل سرگشته جوان امروز که اسطوره‌های معاصرند، با اسطوره‌های گذشته به‌وجود می‌آید و حرف آخر ...

این نمایشنامه را به پسرم دکتر بردیا ابراهیمیان که ۲۵ سال است از خودم دورش کرده‌ام، تقدیم می‌کنم. این اثر به خاطر او و نسل جوان نوشته شده که نماد همه سهراب‌های دیروز و بردیای امروزند.

**این اثر حاصل و عصاره همه زندگی من است. در حقیقت وصیتنامه من برای نسل دیروز و امروز است**



# تعزیه‌های اعتراض‌گویانه و سیاسی

«این عسل شهد گلی خونین است» به نویسندگی و کارگردانی محسن رنجبر

امسال همایش آیین‌های عاشورایی در ششمین دوره برگزاری خود، دستاوردی امیدوارکننده به همراه داشت. از ویژگی‌های بخش مسابقه صحنه این دوره از همایش، می‌توان به حضور نمایش‌هایی اشاره کرد که برای اولین بار به آیین‌های عاشورایی توجهی اندیشمندانه داشتند. این نمایش‌ها ضمن وفاداری به فرم و محتوای این آیین‌ها استفاده‌های تأمل‌برانگیز و خلاقانه از مناسک شناخته شده در نزد مردم داشتند که از آن جمله است نمایش برگزیده این همایش با عنوان «این عسل شهد گلی خونین است» به نویسندگی و کارگردانی محسن رنجبر. کارگردان می‌کوشد بر اساس نسخه‌ای خاص از تعزیه عروسی قاسم، یک بازخوانی و اجرای دوباره از آن داشته باشد. از این رو، باید به حسن انتخاب این کارگردان جوان توجه داشت که از میان نسخه‌های موجود این تعزیه، نسخه‌ای را برگزیده است که به شدت در میان مردم طرفدار دارد. لازم به یادآوری است حتی در زمان قاجار که تعزیه رونق به نسبت چشمگیری در ایران داشت، کم‌تر اجازه اجرای این نسخه داده می‌شد. محسن رنجبر کارگردانی است که نشان داده با آگاهی از ناخودآگاه جمعی تماشاگر ایرانی، می‌تواند به فضایی نو و بدیع و در عین حال، ملموس برای آنان برسد. از این رو نمایش «این



عسل شهد گلی خونین است» در عین حال که واجد ویژگی‌های یک اثر تجربی است، با استفاده از عناصر و نشانه‌هایی که در تعزیه به کار می‌رود، توانسته است تأثیری عمیق‌تر از اجرای یک تعزیه بر مخاطب بگذارد. این در حالی است که تماشاگر احساس نمی‌کند بدعتی در اصل اجرای تعزیه ایجاد شده است. همچنین نویسندگی و کارگردانی این اثر کوشیده است تا آنجایی که لازم بوده تابع نسخه منظوم تعزیه عروسی قاسم باشد و در جایی که نمایش طلب می‌کند خود را از چارچوب نسخه خارج کرده، از دیالوگ نیز بهره ببرد.

اجرا تا جایی که امکان داشته از مکانی به نام اتاق فرمان مستقل است و این استقلال به سادگی اثر و ارتباط صمیمی آن با مخاطب کمک کرده است. این موضوع ذهن را به سمت اجرای یک تعزیه سوق می‌دهد که در مکانی خالی از هر نوع دکور و نشانه‌ای اجرا می‌شود. با این تفاوت که نمایش محصور در قواعد شناخته شده یک تعزیه نمی‌ماند و برای مثال از کفن (پارچه‌ای سفید که رنگ خون روی آن دیده می‌شود) تصاویر متفاوت و جذابی ارائه می‌کند. این موضوع را در استفاده کارگردان از موسیقی هم می‌توان پی‌گرفت. او از سازهای شناخته شده در تعزیه مانند طبل و سنج به گونه‌ای استفاده می‌کند که به طور ناخودآگاه همان تأثیر زنده می‌شود، در عین حالی که ملودی‌ها به گوش ناآشنا می‌آید. این نشان از درایت کارگردانی دارد که علاقه‌مند به درگیر ساختن ناخودآگاه تماشاگر با اثر است تا از مهم‌ترین تأثیر یک اثر نمایشی که همان تأثیر عاطفی و احساسی است، غافل نشود. بازیگران نمایش همگی در خدمت خلق یک فضا بودند و قرار نیست که تماشاگر به صورت شخصیت‌هایی مستقل با آنها رویه‌رو شود. به بیان دیگر، حضور مستقل هیچ کدام از آنها به چشم نمی‌آید، ولی در عین حال در خلق فضایی نمایشی، همگی حضور چشمگیری دارند.



**این نمایش که واجد ویژگی‌های یک اثر تجربی است، توانسته با استفاده از عناصری که در تعزیه به کار می‌رود، تأثیر عمیقی بر مخاطب بگذارد**

# حکایت پادشاهی سنگدل از روم باستان

«کالیگولا» به کارگردانی همایون غنی زاده (بخش میهمان)

نمایش «کالیگولا» سومین تجربه گروه تئاتری «مونگو» بعد از نمایش‌های «دالوس و ایکاروس» و «آگاممنون» است. رویکرد مهم و حائز اهمیت نمایش‌های همایون غنی زاده پرداختن به اساطیر یونان، روم باستان و اساساً فرهنگ غرب است. بهره‌گیری از ساختارهای غیرمتعارف و استفاده از دکورهای متفاوت و نامتجانس نظیر پنکه‌های بزرگ، ساخت و ساز انواع وسایل سفر (هواپیما در «دالوس و ایکاروس» و قایق در «آگاممنون») از دیگر ویژگی‌های نمایش‌های این گروه نوجو و تجربه‌گرای تئاتری است.

نمایش «کالیگولا» به زندگی امپراتور نیمه‌مجنون، باخرد و سنگدل روم باستان و تصمیماتش علیه دیگران می‌پردازد؛ سنگدلی‌هایی که نتیجه‌ای جز مرگ و تباهی برای کالیگولا ندارند. در صحنه آغازین، با شخصیت‌های اصلی نمایش آشنا می‌شویم که هر کدام زخم و آسیبی از کالیگولا بر روح و قلبشان



دارند؛ یکی پسرش توسط کالیگولا کشته شده و دیگری اموال و نفر بعدی زنش مورد آزار وری کالیگولا قرار گرفته است. به همین دلیل، طرح تدریجی توطئه قتل و نابودی کالیگولا توسط این آدم‌ها که اتفاقاً آدم‌های چندان شجاعی نیستند، شکل می‌گیرد. به این ترتیب، چرخه طبیعت سیر و مسیر گذشته‌اش را تکرار می‌کند و فردی جانشین پادشاه فعلی می‌شود. یکی از نکات نمایش «کالیگولا» حضور کم‌رنگ زنان در نمایش - به جز کاسیونا (هنگامه قاضیانی) زن کالیگولا - است که در تصمیم‌گیری‌های کالیگولا مشارکت و نقش دارد.

حضور بازیگرانی که در سینما نیز شناخته شده‌اند، نظیر هنگامه قاضیانی، صابر ابر، سیامک صفری و رامبد جوان مجال چشم‌نوازی از طیف‌های مختلف بازیگری را پیش روی تماشاگر قرار داده است. یکی از ویژگی‌های حائز اهمیت نمایش «کالیگولا» طراحی صحنه است. پس‌زمینه سفید دکور نمایش، تأکیدی بر آماده کردن مخاطب برای وارد شدن به فضای خشونت‌آمیز آن است. استفاده از دستگاه خمیرسازی، قهوه‌ساز، مبل چرمین و میز بزرگ که در میزانش‌های مختلف در صحنه دیده می‌شوند، همگی در خدمت ارائه مفهوم و ساختار نمایش‌اند. زمان این نمایش در جدول برنامه‌ها، ۱۲۰ دقیقه پیش‌بینی شده بود، اما دو اجرای جشنواره‌ای آن تا ساعت یک بامداد طول کشید.

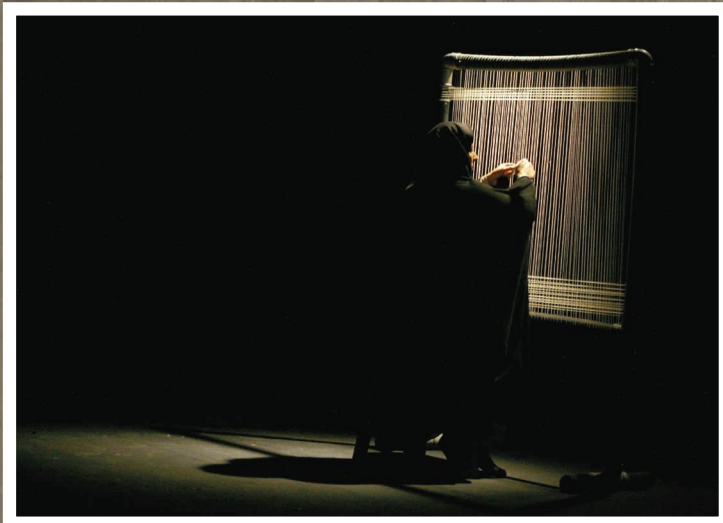


**یکی از ویژگی‌های حائز اهمیت نمایش «کالیگولا» طراحی صحنه است. پس‌زمینه سفید دکور نمایش، تأکیدی بر آماده کردن مخاطب برای وارد شدن به فضای خشونت‌آمیز آن است**

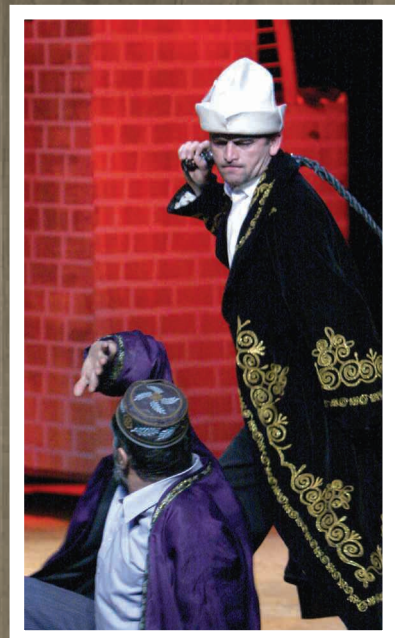




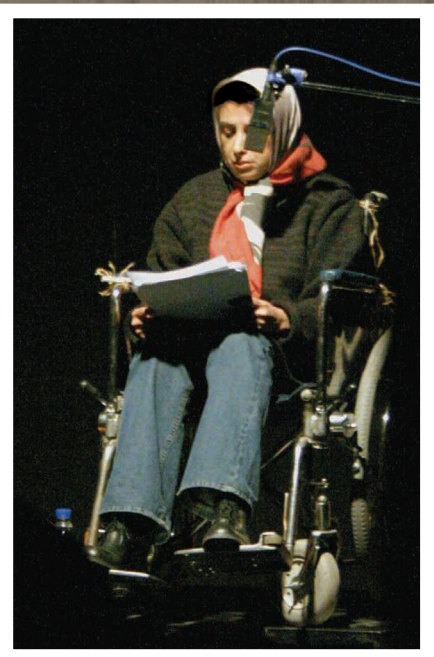
سیندرلا درین بست / عکس: شکوفه هاشمیان



شرق اینک / عکس: شکوفه هاشمیان



روز درازتر از شب / عکس: مهدی حسنی



شام آخر / عکس: احمد نشان



آواز دورترین کرانه مه آلود زمین / عکس: ناصر عرفانیان



دست هزار غریب / عکس: مهدی حسنی



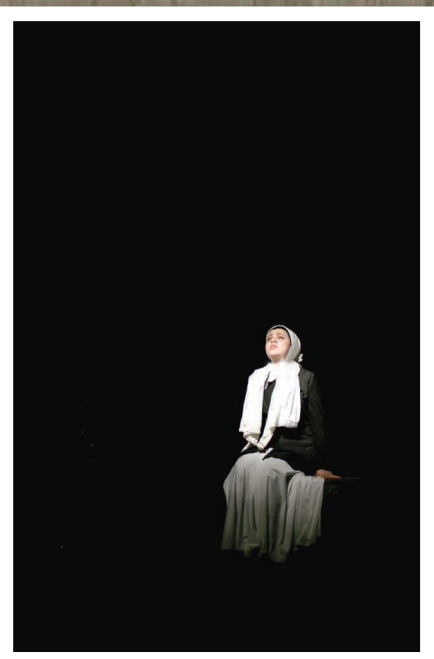
قتل آقای کاف / عکس: میلاد پیامی



افسانه زمینی / عکس: مانی لطفی زاده



این همان کلمه است / عکس: مانی لطفی زاده



حکایت دختری که خاتون مغربی را دید / عکس: ناصر عرفانیان

من، پیک، مهر، کسی بخش دوم / عکس: رضا موسوی







نظمیه زنان / عکس: شکوفه هاشمیان



رنگها / عکس: مانی لطفی‌زاده



باغ مرگ / عکس: رتوفه رستمی



مکاشفه در باب یک مهمانی خاموش / عکس: رتوفه رستمی



آینه‌های مکرر / عکس: رتوفه رستمی



سال کیبسه عیسی / عکس: میلاد پیامی









احمد سلیمانی، کارگردان «شام آخر»:

# نمایش جنگ به زبان بین‌المللی

احمد سلیمانی از فعالان تئاتر در استان قم است که در کنار هنرمندانی چون محمدرضا کوهستانی گروه «ایده» را تشکیل داد. او و گروه تئاتر ایده در نمایش «شام آخر» مفهوم جنگ را مورد مذاقه قرار می‌دهند. نگاه آنها به جنگ نگاهی خالی از دیالوگ و مبتنی بر ایجاد فضا است. رنگ‌بندی صحنه‌ها و ساخت تصاویر خلاقانه از ابزار آلات موجود، از نکته‌های حائز اهمیت در اجرای «شام آخر» است. با او در خصوص چگونگی شکل‌گیری اجرا و رسیدن به زبان بدن و ارتباط آن با موضوع جنگ به گفتگو پرداختیم.

نمی‌توانست در ایجاد فضای مطلوب کافی باشد. از این رو، نور در تشدید فضا و رنگ‌آمیزی آن بسیار به ما کمک کرده است. استفاده از نور در اجرای «شام آخر» به سیاق و روال معمول نیست، یعنی نور اساساً از بالا و به آن شکل همیشگی‌اش بر اجرا نمی‌تابد. بعضی از پروژکتورها در میان دکور تعبیه شده‌اند و نورهای اصلی از کنار به صحنه می‌تابند. این نورها در تلفیق با صحنه جلوه‌های متعدد و زیبایی را تولید می‌کنند و البته موسیقی هم در تکمیل فضای مطلوب برای تماشاگر مؤثر است. نقش بازیگر در فرآیند تولید «شام آخر» را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ نمایش ما حاصل یک کار گروهی است و بازیگران از روز اول که هنوز نمایشنامه در حد یک طرح بود، در تمرین حضور داشتند. به این ترتیب فضا با وجود همکاری بازیگران آزمایش و نتایج به دست آمده توسط نویسنده یادداشت می‌شد. در حقیقت، بازیگران همپای ایده اصلی با تولید نهایی همکاری داشتند. این حضور ابتدایی باعث ایجاد آمادگی ذهنی در بچه‌های گروه برای ورود به تمرین‌های نهایی شد. از ابتدا در جریان روند تولید و فکر گروه کارگردانی قرار گرفتن، چیزی است که در نمایش ما جواب داده است.

**در آخر، می‌توانید یک ارزیابی کلی از نمایش «شام آخر» داشته باشید؟**  
در «شام آخر» همه چیز همپای هم شکل می‌گیرد. از نور و صحنه گرفته تا موسیقی در کنار بازیگران یک هارمونی می‌سازد. ما ساعت‌ها موسیقی‌های مختلف را شنیدیم تا توانستیم یک موسیقی کارآمد و ناب را برای اجرا انتخاب کنیم.

**در زمره تجربه‌های تازه قرار می‌دهد، چیست؟**  
یکی از ویژگی‌های این نمایش، نداشتن دیالوگ است. ما دنبال یک زبان بین‌المللی بودیم. نمایشی که در هر جا و در مقابل هر فرهنگ و زبانی بتوان اجراش کرد و طبعاً طرف مقابل به عنوان یک مخاطب آن را دریابد. از این رو، برای یک اجرای جهانی، یک مفهوم آشنا و جهانی نیز لازم است. بنابراین، دست روی جنگ گذاشتیم تا از بدی‌هایش حرف بزنیم. برای تولید این فضا هم از آدم‌های حاضر در این تأسیسات بهره بردیم. تمام داستان ما در زیرزمین این تأسیسات پیش می‌رود. آن‌ها برای نشان دادن وضعیت خود در میدان جنگ و تصویر کردن حوادث پیش آمده یا پیش رو، از ابزار آلات موجود در همان جا استفاده می‌کنند.

**پس خلق چنین فضایی مستلزم وجود یک طراحی صحنه خلاق است.**  
دقیقاً طراحی صحنه به کارگردانی خیلی کمک کرد. اول لازم بود که ما یک طرح کامل و منسجم از صحنه داشته باشیم. سپس چیزهایی را که می‌دانستیم به درد می‌خورد، تهیه کردیم. از جمله لازم بود وسایل و لوازمی که تأسیسات مورد نظر را می‌ساخت، فراهم کنیم. گاه نیاز داشتیم با این وسایل حضور و حرکت یک تانک را تداعی کنیم یا با استفاده از لوله‌های داربست تنه یک کوه را نشان دهیم.

**نورپردازی در اجرای شما چگونه بوده است؟**  
در کنار طراحی صحنه، می‌طلبید که نورپردازی نیز یک نگاه خلاقانه داشته باشیم. زیرا صرف وجود ابزار آلات به تنهایی

**در این نمایش ما به دنبال یک زبان بین‌المللی بودیم، موضوعی چون جنگ که در هر کجا و در مقابل هر فرهنگ و زبانی بتوان اجراش کرد**

اثر شما درباره جنگ است. تأثیر جنگ را در خلق یک اثر نمایشی چگونه می‌دانید؟  
جنگ مفهومی است که پای ثابت بسیاری از شاهکارهای دنیاست. بزرگ‌ترین آثار داستانی و نمایشی جهان نگاهی گره خورده با جنگ دارد. اصلاً جنگ در اروپا ادبیات داستانی و نمایشی جهان را تغییر داد. گونه‌های مختلف داستانی یا نمایشی را می‌توانیم ببینیم که جنگ تأثیری چشمگیر در نوع نگاه آنها داشته است. ما در «شام آخر» نگاهی از سر بدی و مذمت به جنگ داریم و دست روی زشتی‌های آن می‌گذاریم. این حس است که از جنگ، درون ما تولید شده است. این همه اتفاق، این همه کشتار که در جهان وجود دارد، حسی در هنرمند به وجود می‌آورد که علیه آن اثری خلق کند. بشر از آغاز با مقوله جنگ دست در گریبان بوده و جنگ نقش مهمی در زندگی او داشته است. تئاتر هم از این قضیه مستثنی نیست.

**ایده «شام آخر» از کجاست؟**  
ما پس از تأسیس گروه «ایده»، سعی در انجام کارهای گروهی داشته‌ایم؛ یعنی روند کارمان اینگونه نیست که نویسنده یک متن را بنویسد و ما آن را به صحنه ببریم. این کار کردن گروهی انگیزه‌ای بود که ما را به سمت «شام آخر» کشاند. محمدرضا کوهستانی ایده‌ای داشت که تصمیم گرفتیم روی آن کار کنیم. داستان نمایش درباره چند سرباز است که درون یک زیرزمین که محل تأسیسات یک پادگان است، به سر می‌برند و بناست که به جبهه بروند. آن‌ها در آن زیرزمین که پر از آلات و ابزار فنی است، جنگ و جبهه‌های جنگ را تصویر و تصور می‌کنند. این تصاویر موقعیت‌هایی است که برای آنها پیش آمده یا پیش خواهد آمد.

**ویژگی این ایده که آن را نو می‌کند و**



**«شام آخر» درباره چند سرباز است که در یک زیرزمین که محل تأسیسات یک پادگان است، به سر می‌برند و بناست که به جبهه بروند**



را در فضای دانشگاهی می‌خواهم چون دغدغه دانشجویان در مورد مسائل اجتماعی زیاد است و این‌جا فضا برای ارائه اندیشه و تبادل نظر باز است. بشر از آغاز خلقت و شروع تفکر درباره هستی و موجودات، راه‌های متفاوتی را طی کرده و هر بار هم به نحوی، درست یا غلط، به نتایجی رسیده که بعدها مورد نقد و داوری قرار گرفته است. این حسنی است که در استفاده دراماتیک از چهره‌های ارزشمند می‌توان سراغ گرفت. به هر حال، این داستان مجالی برای بیان حقیقت فراهم می‌سازد و این‌که جنگ قدرت در جهان باعث نادیده گرفتن حقیقت و در نهایت تسلط ناحق می‌شود.

گروه تئاتر «سکوت» چگونه و با چه رویکردی در به صحنه آوردن این نمایش تلاش کرد؟

من، کارگردان دست به قلمی نیستم. بنابراین، باید زیاد نمایشنامه بخوانم و تشخیص بدهم کدام یک در راستای اهداف فکری و شرایطم است. من حتی فکر کردم به این‌که «با برهنه در پارک» را اجرا کنم، اما در گروه ما این بحث مطرح شد که چرا متن خارجی؟ و این که چرا متن‌های ایرانی را اجرا نکنیم، به ویژه یک اثر نزدیک با فضا و فرهنگ خودمان. وقتی اکبرنژاد اشاره به چنین ایده‌ای کرد، گفتم اگر آنچه تحت این تفکر است در متن بتواند حضور پررنگ داشته باشد، گروه تمایل به اجرای آن را دارد.

در این نمایشنامه، همه تلاش ما مبتنی بر ساختار شکنی در نمایشنامه‌نویسی و انتخاب شیوه‌ای بکر در اجرا بوده است. باید از کلیشه‌های دور کنیم تا به یک اجرایی در خود برسیم. اساس شیوه ما خاص است و گروه یک گروه آزاد است که همه در آن می‌توانند نظر دهند. همچنین چیدمان گروه ما طیف‌های مختلف سنی، تجربی و تحصیلی را کنار هم قرار می‌دهد. زیرا هم‌نشینی جوان‌ترها با پیشکسوتان می‌تواند باعث وقوع یک اتفاق تازه و خوب شود. با آن که همه در ارائه پیشنهاد و ایراد بحث آزادند، معتقدم کارگردان باید برای ایجاد ارتباطی سالم و مؤثر با مخاطب، همه نظرات را در سمتی درست جهت بدهد.

**در قصه قدیمی گناه، یک گناه جمعی و عقوبتش هم جمعی است؛ اما در قصه جدید، گناه یک گناه فردی است و همین‌طور عقوبتش**



مهدی مکاری، کارگردان نمایش «شرق غزل»:

## شهر پید اول بر صحنه نمایش

بکنم. چون مطمئنم می‌تواند ارتباط برقرار کند. بنابراین، همیشه تلاش من این بوده که تئاتر کم‌دی بسازم. حتی معتقدم در کم‌دی کیفیت ارتباط مخاطب با اثر قوی‌تر است. با این وجود، فضا و شرایط موجود در «شرق غزل» برایم جالب بود. از سویی، زمان اجرای عمومی ما با محرم تلاقی داشت و می‌خواستیم بنابر مسائل و اتفاقات موجود که گاه شاهد آنیم، حرفی برای گفتن داشته باشیم. به هر حال، این متن مجالی را فراهم می‌کند تا آدم خود را دریابد. ما در این قصه در انتها به حقیقت می‌رسیم. اندیشه شهید اول دعوت به وحدت است و اساساً از ترکیب «امت واحده» استفاده می‌کند. از آنجا که مسلمانان با هر مذهب و با هر شرایطی دارای دینی واحدند، در میان اهل این دین، باید وحدت ایجاد شود. ما در ریشه اختلاف نداریم و با انعطاف می‌توانیم امت واحد را تشکیل دهیم.

**پروداختن به شخصیت‌های بلند مرتبه مصائبی داشت که گفتید. در این پرداخت، چه حسنی برای شما به عنوان کارگردان وجود دارد؟**

بازگو کردن اندیشه انسان‌های بزرگ در عرصه‌های مختلف بسیار راه‌گشا است. من این تئاتر



جدید گناه یک گناه فردی است و همین‌طور عقوبتش. ما این‌جا دعوت به زندگی داریم. رؤیا این‌جا است تا بگوید از پس این عذاب سینا بخشیده شده است. **پس از دو نمایش کم‌دی، سراغ اثری کاملاً متفاوت آمدید. این تغییر از کجاست؟** من اساساً فضای کم‌دی را دوست دارم و علاقه‌مندم مسائل موجود و معضلات مردم را با زبان طنز مطرح

بسیارند. سینا می‌خواهد بداند واقعه‌ای که از مرگ همسرش نشأت گرفته چیست و این کابوس از کجا آمده است. به دلیل شرایط فشرده کاری، سینا نمی‌تواند به همسرش برسد و در آخر زنی می‌میرد. در این شرایط او دچار یک بحران روانی می‌شود و غزل در خیالش زنده می‌ماند. در آن قصه قدیمی، گناه یک گناه جمعی و عقوبتش هم جمعی است؛ اما در قصه

**در این قصه سراغ هفت قرن پیش می‌رویم از این رو زبان در نمایش ما تفکیک دارد. برایمان مهم بود که بتوانیم یک ارتباط خوب با مخاطب برقرار کنیم**

**«شرق غزل» به کارگردانی مهدی مکاری در بخش میهمان جشنواره حضور دارد. این نمایش دو روایت موازی از دو زمان را در خود دارد و در خلال آن به زندگی «محمدبن مکی» ملقب به «شهید اول» می‌پردازد. مکاری که پیش از این بیشتر آثار کمیک را به صحنه آورده است، این بار با رویکردی متفاوت بر صحنه حاضر می‌شود.**

کنید. در «شرق غزل» هم همین‌طور است. ما در این قصه، روایتی موازی داریم که یک مشابَهت را در ذهن تداعی می‌کند. قصه اول و قصه دوم از دل هم شکل می‌گیرند و هر دو در عین توازی، به یک نقطه مشترک می‌رسند. البته روی متن زیاد حرف زدیم و چند بار آن را دوباره‌نویسی کردیم تا این‌که رسیدیم به این که هست، کابوس‌ها و شرایطی که در شخصیت سینا وجود دارد.

**این حضور موازی چه داستانی دارد؟** سینا در آستانه مرگ همسرش با زنی روبه‌رو می‌شود که سال‌ها پیش ترکش کرده است. این زن در ازای شرطی حاضر است تا هزینه درمان همسر او را فراهم کند. داستان دوم به محمدبن مکی برمی‌گردد که می‌خواهند به هزار بهانه او را به مرگ

**ایده و قصه اصلی از کجا آمد؟** قصه از میلاد اکبرنژاد است. وقتی برایم تعریف کرد، از آن خوشم آمد. همیشه دوست دارم کارهایی را انجام دهم که نسبت به آثار قبلی جلوترند. همچنین علاقه‌مندم یک فضای تازه را بیازمایم ولی از سویی، نمی‌خواهم خیلی از فضای دانشگاهی این‌جا (تالار مولوی) دور شوم. این قصه خاص و جذاب است و ما در آن سراغ هفت قرن پیش می‌رویم. از این رو، زبان در نمایش ما تفکیک دارد. برایمان مهم بود که بتوانیم یک ارتباط خوب با مخاطب برقرار کنیم. آدم‌هایی در تاریخ وجود دارند که پرداختن به شخصیت آن‌ها بسیار دشوار است. به علاوه، حضور اولیا و بزرگان بر روی صحنه ظرافت بسیاری را می‌طلبد. از جمله این که شما اصولاً نمی‌توانید در این نوع شخصیت‌ها تحول ایجاد



## روایتی اصیل از قصه‌های ایرانی

«موشه رو کی می خوره» به نویسندگی و کارگردانی امیر مهدی عباس (بخش مرور تئاتر تهران)

«موشه رو کی می خوره» یکی از قصه‌های فولکلور ایرانی است. در کتابخانه ملی سندی از آن وجود دارد که مربوط به ثبت این قصه در سال ۱۳۷۵ هـ. ش به روایت ننه لیلا در کردستان است. این اصیل‌ترین روایت از «موشه رو کی می خوره» است. چند نسخه دیگر نیز از این قصه وجود دارد که به قدرت و زیبایی روایت یاد شده نیستند. مشهدی‌عباس این نسخه اصلی را تبدیل به درامی برای خردسالان و کودکان کرده است. او با اجرای موفق خود توانسته این نکته را به عنوان کارگردان خاطرنشان کند که با به نمایش درآوردن قصه‌های ایرانی با مخاطبان بیشتری روبه‌رو خواهد شد. وی که سال‌ها سابقه تجربه تولید نمایش کودک و نوجوان را دارد و بارها متون خارجی و مدرن را نیز تجربه کرده، این بار به والا بودن آثار ایرانی و درک و دریافت بهتر از آن‌ها توسط مخاطب ایرانی پی برده است. بنابراین از منظر این کارگردان، «موشه رو کی می خوره» یک اثر ملی تلقی می‌شود.

یک گربه، شیر گاو هاجر خانم را که از طریق فروش



محصولات لبنی زندگی می‌کند، می‌خورد. در تعقیب و گریز او با گربه، دم حیوان کنده می‌شود. هاجر به گربه می‌گوید تا شیر را برایم بنیاوری، دمت را نمی‌دهم. گربه هم می‌رود که شیر را بیاورد. او از گاو شیر می‌خواهد ولی گاو می‌گوید باید برگ درخت را بخورد. گربه از درخت برگ می‌خواهد، ولی درخت می‌گوید باید آب بخورد. آب را از باغبان می‌خواهد، اما باغبان می‌گوید باید کفش بپوشد. کفش را از کفاش می‌خواهد، ولی کفاش می‌گوید که باید تخم‌مرغ بخورد و ... سرانجام، به سختی گربه، شیر را تهیه می‌کند و دمش را از چنگ هاجر در می‌آورد.

در اجرا، دو شیوه حضور زنده بازیگران (سه بعدی) با استفاده از عروسک‌های دوبعدی تلفیق شده است و این خود ترکیب‌بندی را ایجاد می‌کند که منجر به چیدمانی برای ارتباط دیداری با اثر خواهد شد.

طراحی صحنه نمایش که اثر خود مشهدی‌عباس است، قبلاً جایزه جشنواره کودک اصفهان را کسب کرده است. در این طراحی، یک درپچه کوچک وجود دارد که تمام عروسک‌ها، آکسسوار و دکور از طریق آن وارد و خارج می‌شوند. این درپچه با یک لته تلفیق شده و توسط آن صحنه‌ها عوض می‌شود که همین خود عاملی برای غافلگیر کردن تماشاگران است. در ضمن، وجود بازیگر و عروسک، فانتزی خاصی را در فضا القا کرده و پیوند بهتری را با تماشاگر خردسال برقرار می‌کند.



«موشه رو کی می خوره» بر اساس اصیل‌ترین روایت از نسخه‌های موجود که در سال ۱۳۷۵ هـ. ش در کتابخانه ملی به ثبت رسیده، تبدیل به درام شده است

## برداشتن فاصـله‌ها

«نمایشی برای جشنواره» به کارگردانی مجتبی رستمی فر

«نمایشی برای جشنواره» در یک نگاه، اثری پست‌مدرنیستی است، به این دلیل که در آن، جای تماشاگران و بازیگران و عوامل اجرایی عوض می‌شود، و به هیچ چیز از یک منظر قطعی پرداخته نمی‌شود. حضور کارگردان - مؤلف در دنیای متنی و اشاره مستقیم به نحوه نگارش و اجرا نیز از دیگر عناصری است که نمایش را به هنر پست‌مدرن پیوند می‌زند.

گروه اجرایی در ابتدا از تماشاگران دعوت می‌کند تا روی صحنه بروند. در آن‌جا، آن‌ها با اتاق یک دختر نویسنده روبه‌رو می‌شوند. این دختر از نزدیک به طور ملموس با جنگ تحمیلی آشنا نیست، اما می‌خواهد برای شرکت در جشنواره دفاع مقدس متنی را بنویسد. او با دنیای شخصیت‌هایش که در جنگ حضور داشته‌اند، احساس بیگانگی می‌کند. بنابراین، آن‌ها در امر نوشتن مداخله می‌کنند.

در لحظاتی از اجرا، کارگردان از تماشاگران دعوت می‌کند تا بریده‌هایی از دیالوگ‌های متن را به دلخواه بازخوانی کنند. در نهایت، همه دعوت می‌شوند تا یک فیلم ویدئویی از تلاش گروه اجرایی را ببینند. سرآخر

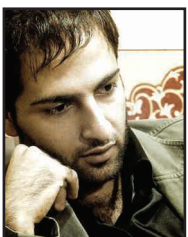


با باز شدن پرده، گروه اجرایی (در جایگاه تماشاگران) برای تماشاگران (اجرا کنندگان حقیقی نمایش) دست می‌زنند.

عمده‌ترین هدف از این جابه‌جایی، ارجاع دنیای متنی به بیرون از صحنه است. این عمل دلالت مستقیم بر یکی شدن دغدغه‌های گروه اجرایی با مسائل اجتماعی دارد. طنز از دیگر عناصر «نمایشی برای جشنواره» است که از جدیت مسائل می‌کاهد و این امر ناخواسته بر نسبی بودن ماجراها تأکید می‌کند.

در طول اجرا درباره جنگ و آسیب‌های آن تصویری را می‌بینیم و می‌زائسن‌ها بر آن‌اند تا تماشاگر به گونه‌ای حقایق جنگ را لمس کند. اگر چه این حقایق از نگاه زن نویسنده درست نیست، اما تماشاگر خود به بازآفرینی آن‌ها خواهد پرداخت. این شیوه از کار با آشنایی زدایی از یک روند، ما را به طور متفاوتی در جریان یک امر غیر مترقبه قرار خواهد داد و به این ترتیب دلالت بیشتری بر آسیب‌ها و خطرات و مخاطرات آن جریان خواهد داشت.

در این میان، نمایش یک ویدئو نیز که بیانگر دردهای یک جانباز جنگ تحمیلی است، تأکید زیادی بر حقایق موجود خواهد داشت. بنابراین، نمایش بی‌آن‌که بخواهد شعار بدهد و از سطحی‌نگری آسیب ببیند، در یک جریان غیر معمول با زیبایی شناسی خاص خود تأثیر لازم را بر ذهن و روان مخاطب خواهد گذاشت.



حضور کارگردان - مؤلف در دنیای متنی و اشاره مستقیم به نحوه نگارش و اجرا از جمله عناصری است که این نمایش را به هنر پست‌مدرن پیوند می‌زند



ایرج راد، عضو شورای عالی انتخاب آثار و کارگردان نمایش «عیش و نیستی»:

## مخاطب امروز تئاتر حوصله ح



آثاری که به نوعی اجازه تمرین می‌گیرند، شرایط و امکانات اجرا فراهم شود. زیرا خارج از مسأله دوری که تعدادی از آثار برای جشنواره انتخاب می‌شود، باید به این نکته نیز توجه داشت که گروه‌های انتخاب نشده نیز ماه‌ها تمرین کرده‌اند، بنابراین باید بتوانند از امکان اجرا برخوردار شوند. امکان دارد در تئاتر شهر اجرا به آن‌ها داده نشود، اما می‌توانند در سالن‌های دیگری مانند سالن‌های سازمان فرهنگی-هنری شهرداری و جاهای دیگر روی صحنه بروند. از این رو، اگرچه انتخابی صورت می‌گیرد، اما این انتخاب به گونه‌ای نیست که آثار تولید شده هیچ گونه اعتبار اجرایی نداشته باشند. همین نظر در شورا مطرح و قرار شد چنین امکانی به گروه‌ها داده شود. به این ترتیب، انتخاب‌های بیشتری صورت گرفت تا برخی از نمایش‌هایی که دارای ارزش‌هایی بودند، به سالن‌های دیگر معرفی شوند، تا این‌گونه امکانی برای اجرا داشته باشند. نمایش «عیش و نیستی» به کارگردانی شما در جشنواره حضور دارد. چطور به آثار نمایشی جشنواره پیوستید؟

متن این نمایش را اول سال جاری برای تصویب

ایرج راد، بازیگر، کارگردان و مدیرعامل خانه تئاتر علاوه بر عضویت در شورای عالی انتخاب آثار جشنواره تئاتر فجر، در بخش مهمان نیز با اجرای نمایش «عیش و نیستی» نوشته تیری مونیبه حضور دارد. او در گفت‌وگوی پیش‌رو از عملکرد شورای عالی انتخاب آثار و همچنین کارگردانی «عیش و نیستی»، برایمان گفت.

**عملکرد شورای عالی انتخاب آثار را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**  
وقتی نوع نگاه و دوری دقیق‌تر می‌شود، خطاهای کمتری صورت خواهد گرفت و نگاه‌های تخصصی‌تری نیز به مسائل می‌شود که بسیار کمک‌کننده است.

**مسئلاً، تعداد زیاد آثار متقاضی حضور در جشنواره، مشکلاتی را نیز برای این شورا ایجاد کرده است؟**

کار در این شورا تقسیم‌بندی شده بود. برای دیدن آثار هر بخش، گروه خاصی مشخص شده بود. در مرحله بعد درباره آثار دیده شده در شورا بحث می‌شد. البته داوران برخی بخش‌ها مشترک بوده‌اند، اما من به دلیل وقت کمی که داشتم، تنها در انتخاب آثار بخش چشم‌انداز حضور داشتم.

**آیا با شکل‌گیری این شورا، اتفاق جدیدی در روند انتخاب آثار افتاده است؟**

به نظرم باید برای تمامی



### دوبیتی‌های دراماتیک

اگر اجرای ما بد بود، رفتیم ولی با این مصیبت‌های موجود جو اجرا می‌روم پولم دهی کی؟ اگر دستم نگیرد پول کافی برون آمد فراخوان از شماره نوشتیم چند متن خوب و مقبول یکی از منتقدان عقد می‌کرد اگر چه قافیه کلاً خراب است اگر خواهی تو اجرا در نهایت برای حل اشکالات کلی بیا ما به شهرستان سفر کن به سالن‌های خالی کن نگاهی موزیک بازگیرانم چون ننالم قرار دادم به تیپ آمد و لیکن همه گویند ما سالن نداریم برای رفتن یک دانه اجرا نگه کردم به جدول‌ها کم و بیش تئاتر اولی با پول دولت بقیش جان شد در بیت بالا؟ تئاتر دولتی شد کم مخاطب دو بیتی قالبی کوتاه باشد ولی در پیرو ابیات بالا دو غم آمد سرانم هر دو یکبار برم در متن خود دستی دوباره تمام حرفه‌ها از خوب و از بد چه آن‌هایی که در خاک اند امروز دوباره بیت‌ها آمد به آخر درون کار ما این رسم هیچ است مرا یک جور دیگر آفرینند ولیکن در نمایش‌های موجود بشم واشم روم از تئاتر بیرون دلم خون ز اجرای رقیبان بیا و پشت ما هی حرف می‌زن تو کز انسانیت بویی نبردی

میان صحنه خواب آلود رفتیم همه در حد هالیوود رفتیم به آبان می‌دهی این پول یا دی؟ بشم بازیگر آف آف برادوی برای شرکت در جشنواره ولیکن گله‌م رد شد دوباره زنش را پای خطبه نقد می‌کرد ولی گش به گلی درد می‌کرد اگر افتاده بر مرکز گذارت بیا اول به شورای نظارت به تاتر بی سرو سامان نظر کن بیا و بودجه‌ها را بیشتر کن مو که از زده جائم چون ننالم شدیداً بی‌نشاطم چون ننالم همه سرخورده و در انتظاریم همیشه روزها را می‌شماریم بدیدم تاتر دولتمند و درویش تئاتر دومی بخش خصوصیش بقیش را همین جا می‌کنم جا تئاتر گیشه رفت از پول بالا تمام حرف‌ها را کی توان زد تئاتر دولتی خوب است یا بد؟ شده متنم رد و اجرام دشوار خداوندا دل بازیمن به دست آر ز استادان خود تندیس دارند چه آن‌هایی که در آغاز کارند به روی ترش و اخلاق مکدر نداریم هیچ تندیس برادر برا بازیگری ناقص بریدند یکی دیگر به جایم برگزیدند بگردم در پی یک لقمه نون شدم نومید از این چرخ گردون برو زیرآب ما را ژرف می‌زن همان قدری که داری ظرف، می‌زن





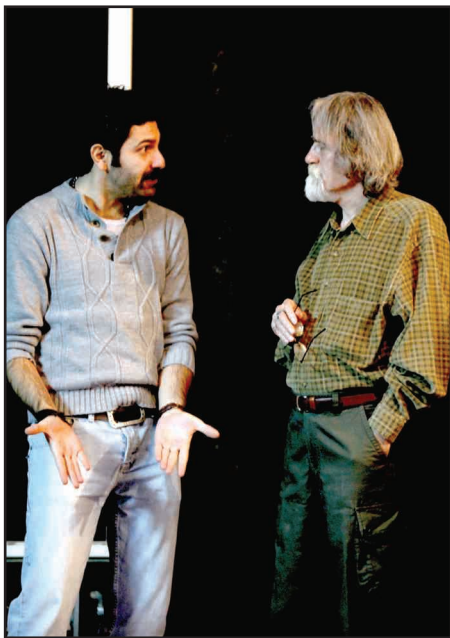
مینزه محمادی امسال با نمایش «دوازده» در بخش میهمان بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر حضور دارد.

نمایش «دوازده» بر اساس داستانی از «رجینا لدرز» توسط محمادی با رعایت اصول کلی نمایشنامه‌نویسی ترجمه و بازنویسی شده است. این همان داستانی است که براساس آن فیلم به‌یادماندنی «دوازده مرد خشمگین» نیز ساخته شده است. محمادی بدون توجه به آن فیلم، داستان را با میزانشن و روایت خود تعریف می‌کند.

«دوازده» داستان ۱۲ عضو یک هیأت منصفه را روایت می‌کند که می‌بایست بر گناهکار بودن و یا بی‌گناهی پسری که متهم است پدرش را با یک چاقوی نظامی به قتل رسانده، رای بدهند. این روند ابتدا ساده به نظر می‌رسد زیرا اکثریت آرا نشان از گناهکاری پسر دارد، اما اولین تردید رفته رفته چنان قوت می‌گیرد که تردیدهای تازه‌ای را رقم می‌زند.

تردیدها نگاه تازه‌ای به اعضای هیأت منصفه می‌دهد و نگاه تازه، نتیجه بررسی اسناد را دگرگون می‌کند. دوازده عضو هیأت منصفه که در روایت محمادی از شش مرد و شش زن تشکیل می‌شود به بحث با یکدیگر می‌پردازند و در این اثنا علاوه بر بررسی شواهد و قرائن واگویی‌هایی از زندگی و تجربیات شخصی خود را بیان می‌کنند. بازی محمد اسکندری و مهوش افشارپناه به عنوان دو لیبر مخالف و موافق درخشان است. دیگر بازیگران نیز با وجود دشواری و پریچس بودن نقش‌ها از پس نقش خود برآمده‌اند.

تعلیق‌ها به‌خوبی به تماشگر منتقل می‌شود. نمایش بر دیالوگ استوار است اما میزانشن‌های محمادی روحی تازه به متن داده؛ چنانچه در نیمه نمایش، ذهن جستجوگر تماشگر



**میزانشن‌های محمادی روحی تازه به متن داده؛ چنانچه در نیمه نمایش، ذهن جستجوگر تماشگر از مقایسه این نمایش و آن فیلم سینمایی بازمی‌ماند**

از مقایسه این نمایش و آن فیلم سینمایی بازمی‌ماند و در دل داستان فرو می‌رود.

پرده بازسازی صحنه قتل و بررسی عملی آن توسط هیأت منصفه غافلگیرکننده است و تماشگر را در مرز باریک رای منفی و مثبت علیه متهم سرگردان می‌سازد تا در نهایت از این سرگردانی نتایج انسانی بکری به‌دست آید.

موسیقی ارشام مؤدبیان نیز در لحظات پرتعلیق، لرزه بر دل می‌اندازد و این دلهره‌های کوچک به روایت داستان «دوازده» کمک می‌کند. طراحی مدرن دکور که توسط احمد کچه‌چیان انجام شده نیز کمک می‌کند تا داستان را در فضایی آشنایی‌زدایی شده پیش ببرد.

«دوازده» به نویسنده‌گی و کارگردانی مینزه محمادی

## تعلیق در رأی یک متهم به قتل

اولین اجرای شما در هیاهوی جشنواره انجام می‌شود؟

ما فرصت تمرین در داخل دکور و صحنه را نداریم، بنابراین بازیگران باید خودشان را به سرعت با صحنه، سالن و وسایل تطبیق بدهند.

**جشنواره تئاتر فجر اکنون نزدیک به سه دهه است که برگزار می‌شود. این جشنواره در این مسیر با اوج و فرودها و تجربیات متفاوتی روبه‌رو بوده و کم و بیش تجربیات تازه‌ای را به آینده منتقل کرده است. از دید شما جشنواره امسال چه دستاوردی تا به امروز داشته است؟**

ارزیابی جشنواره باید پس از برگزاری آن صورت گیرد، اما آن‌چه در شکل ظاهری دیده‌ام این است که امسال کوشش شده از توانایی‌های مختلف استفاده شود و انتخاب‌های دقیق‌تری صورت بگیرد. حال باید دید در جمع‌بندی نهایی به کجا خواهد رسید. ما باید ببینیم جشنواره را با چه نگاهی بررسی می‌کنیم. آیا آن را برآیند فعالیت یک ساله تئاتر می‌بینیم یا کشف نیروهای تازه یا مجالی برای انتخاب‌های متفاوتی از آثار نوتر؟ مهم این است که تئاتر ما نباید متکی به جشنواره باشد. بنابراین باید امکانات اجرایی را گسترده‌تر کنیم. همچنین باید گروه‌ها را گسترش بدهیم چون تئاتر بدون گروه معنا و مفهومی ندارد. تئاتر در پرتو یک همکاری گروهی می‌تواند جایگاه خود را در میان مخاطبان پیدا کند و آن گروه‌هایی که این توانایی را ندارند، خود به خود از طریق تماشگر حذف خواهند شد. در مقابل، افراد توانمند با استقبال تماشگر تشویق به ادامه کار می‌شوند. در عین حال، تماشگر نیز بر روی هنرمند تأثیر می‌گذارد و این‌ها همدیگر را کامل می‌کنند. زمانی به چنین دستاوردهایی خواهیم رسید که گروه‌ها از امکانات تمرین، استقرار و اجرا برخوردار باشند و کارشان مستمر باشد. اگر بخواهیم بخشی از بار اجرایی‌مان را به جشنواره‌ها منتقل کنیم، به هدف نهایی نخواهیم رسید.

**نمایشنامه تیری مونیبه که اثری کمدی و تراژدی است را با ترجمه ابوالقاسم نجفی اجرا می‌کنیم. البته بخش‌هایی از متن را به دلیل طولانی بودن و این که امکان اجرایی نداشت، کوتاه کرده‌ام**

به طور کلی، از جمله کارگردانی هستیم که بر توانایی بازیگران تأکید دارم. برای من جوهره اصلی تئاتر، بازیگر است. درست بر خلاف کار تصویر که واسطه‌های پر اهمیتی به موازات بازیگر وجود دارد. در «عیش و نیستی»، سعی من استفاده از توانایی‌های بازیگران و پرهیز از حاشیه‌هاست. ما برای صحنه‌پردازی از حداقل دکور استفاده کرده‌ایم. آن‌چه در صحنه داریم یک میز و یک صندلی است. البته طراح داشتیم و چیزهای ساده دیگری را که در اثر می‌بینید، در راستای مقتضیات نمایش به آن افزوده شده است. در کارگردانی این متن فرانسوی کوشیدم محتوای اثر نمایشی با امروز منطبق باشد. اگرچه زمان نمایش خیلی از امروز دور نیست، اما باز هم فاصله‌ای با اکنون دارد. بنابراین، در طراحی صحنه و استفاده از فناوری این نکته را در نظر داشته‌ایم. یکی از عوامل مهم در ایجاد فضای نمایش، نورپردازی است که بر اساس امکاناتی که سالن در اختیارمان می‌گذارد، انجام می‌شود. در جاهایی که از این نظر کاستی‌هایی داشتیم، تدابیر تازه‌ای اندیشیدیم. دشوار نیست که

## اشپیه‌ها را ندارد

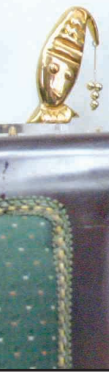
که اثری کمدی و تراژدی است را با ترجمه ابوالقاسم نجفی اجرا می‌کنیم. البته من بخش‌هایی از متن را به دلیل طولانی بودن و این که امکان اجرایی نداشت، کوتاه کرده‌ام. الان زمان نمایش در حدود ۸۵ تا ۹۰ دقیقه است. تلاشم این بوده که آن‌چه در درون این نمایش وجود دارد و آن حرفی که باید زده شود و کاری که باید به عنوان یک فرآیند ارتباطی شکل بگیرد، به خوبی ارائه شود. مخاطب امروز خیلی حوصله حاشیه‌ها را ندارد و می‌خواهد به صورت موجز کار را ببیند.

**از انتخاب بازیگران نمایش برایمان بگویید. کوشیدم با کسانی کار کنم که خیلی گرفتاری‌های مختلف نداشته باشند. برایم سخت است با بازیگری کار کنم که سه، چهار تا کار مختلف دارد. چنین بازیگری طبیعتاً خیلی نمی‌تواند به زمان‌های تمرین برسد و به شکل واقعی وارد کار اجرا شود. از این رو، برخی بازیگران جوان در این نمایش حضور دارند که از آن‌ها بسیار راضی هستم. این یک واقعیت است که به برخی از بازیگران جوان فرصت مطرح شدن داده نشده است. معتقدم این فرصت را باید به آن‌ها بدهیم. نمی‌شود که همیشه کارها را بین چند نفر تقسیم کنیم. باید برنامه‌ای برای کشف استعدادها داشته باشیم و این توان را گسترش بدهیم.**

**چطور شد که خودتان نیز در این نمایش بازی می‌کنید؟**

نمی‌خواستم در نمایش خودم بازی کنم، زیرا معتقدم نباید در کاری که کارگردانی می‌کنم بازی کنم؛ ولی به دلایلی ناچار شدم یکی از نقش‌های اصلی را به عهده بگیرم. با همه سخت‌گیری و دقتی که به خرج می‌دهیم، باز هم از این دست مشکلات وجود دارد و کار را سخت‌تر می‌کند. در نهایت، امیدوارم اثری باشد که مورد توجه تماشاگر قرار بگیرد و با آن ارتباط برقرار کند.

**از کارگردانی و انتخاب صحنه برای نمایشتان بفرمایید.**





## “The East of Ghazal” by Mehdi Makari

# Shahide Aval on Stage



“The East of Ghazal”, directed by Mehdi Makari, is participating in the guest section of the 28th Fajr International Theater Festival. It has a parallel story, narrating the life of Mohammad Ibn Maki, known as Shahid Aval (first martyr) in two time period.

Makari had staged comedies earlier. He, however, adopted a different approach toward this play.

“The story that Milad Akbarnejad was describing for me attracted me,” said Makari.

The story is special and attractive, dating back to 7th century.

On his parallel story, Makari said that Sina sees a woman who had left him years before as his wife is dieing. The woman is ready to pay for treatment of the sickness of Sina’s wife under certain conditions.

The other story revolves around Mohammad Ibn Maki, whom some try to kill under thousands of excuses.

Sina wants to know what root cause of an incident linked to his wife’s death is.

Sina can not take care of his wife due to job pressure and his wife dies at the end.

He suffers a psychological trauma after the death of wife.

Makari has directed a tragedy after two comedies.

“I love comedies and am interested in having sense of humor over social problems of the people. But the atmosphere surrounding “East of Ghazal” attracted me,” Makar explained.

The performance is also concurrent with lunar month of Moharram and martyrdom of Imam Hussein (AS), the third Shitte Imam.

## “Story of a Step” by Reza Gouran

# A Story of Love

Reza Gouran is participating in the 28th Fajr International Theater Festival after successful participation of “I Want to Sleep,” and “Yerma” in previous editions.

“The Story of a Step”, written by Antonio Boiro Baijo, is participating in the international competition section

and panorama of Iran theater. Gouran believed that he would give the audience a chance to watch a different play in terms of literature and performance.

“I didn’t want to surprise audience but to experience a new way of story telling,” said Gouran, adding that “The Story of a Step” is not an unreasonable or

complicated story.

“I wished the audience to have a new experience in theater,” the director said, stressing that the play is capable of attracting audience from all schools of thoughts.

The story narrates the life of three families and three generations from the eye of a step.

Gouran said his previous

theater experiences were more personal. “But I wanted to attract other types of audience.”

He believed that the play is so attractive because of its love theme.

The play will be staged after the festival in Qashqayee hall at 7 p.m. each night.

Expressing satisfaction over holding of Fadj

theater festival, Gouran said that the least advantage of such event is that it shows theater is alive in Iran.

The director stressed that despite lower facilities of Iran theater, he enjoys more when he watches Iranian plays compared to foreign ones because they have “spirit”.

## “Last Supper” by Ahmad Soleimani

# War in Int’l Language

Ahmad Soleimani is active in theater field in central city of Qom. He has established “Ide (Idea)” group with artists like Mohammad-Reza Kouhestani.

Soleimani and his group focus on the meaning of war in the play. Their approach is based on atmosphere rather than

dialogue. The color of scenes and design of creative images from available tools are among important ponits of the play. “Following the formation of “Ide” group, we completely focused on group work,”

Soleimani said, adding that the cooperation is not like that dramatist writes a play and the group has to

bring it on stage.

The group work gave us motivation to stage “Last Supper”.

Kouhestani had an idea and the group decided to work on it.

The story is about a few soldiers. It is set in the basement of a garrison and the soldiers are going to the front line.

The soldiers visualize war and front line in the basement which is full of technical tools and equipments. These are images of situation happened for them or are going to happen.

Lack of dialogue is one of advantages of the play.

“We sought an

international language. A play which could be performed for any culture and language,” he explained.

An international performance needs international terms, he added. “We talk about war to point to its evilness,” Soleimani concluded.



“Galileo” by Darioush Farhang:

## I Stay until I Have Support

The return of Darioush Farhang to the theater scene after 30 years is a big event, especially when his first appearance is concurrent with the Fajr festival.

Farhang called on old friends who were member of “Peiadeh (On Foot)” group to get back to theater scene.

Amin Tarokh and Massoud Keramati are back on theater stage. The result of this return will be performed in the last day of the ongoing festival.

“I wished to make a comeback to theater. I wanted to stage a work that I love and do not translate ideas of other,” said Farhang.

He added that there are shortfalls, Iran theater has been suffering from management and economic crises these years.

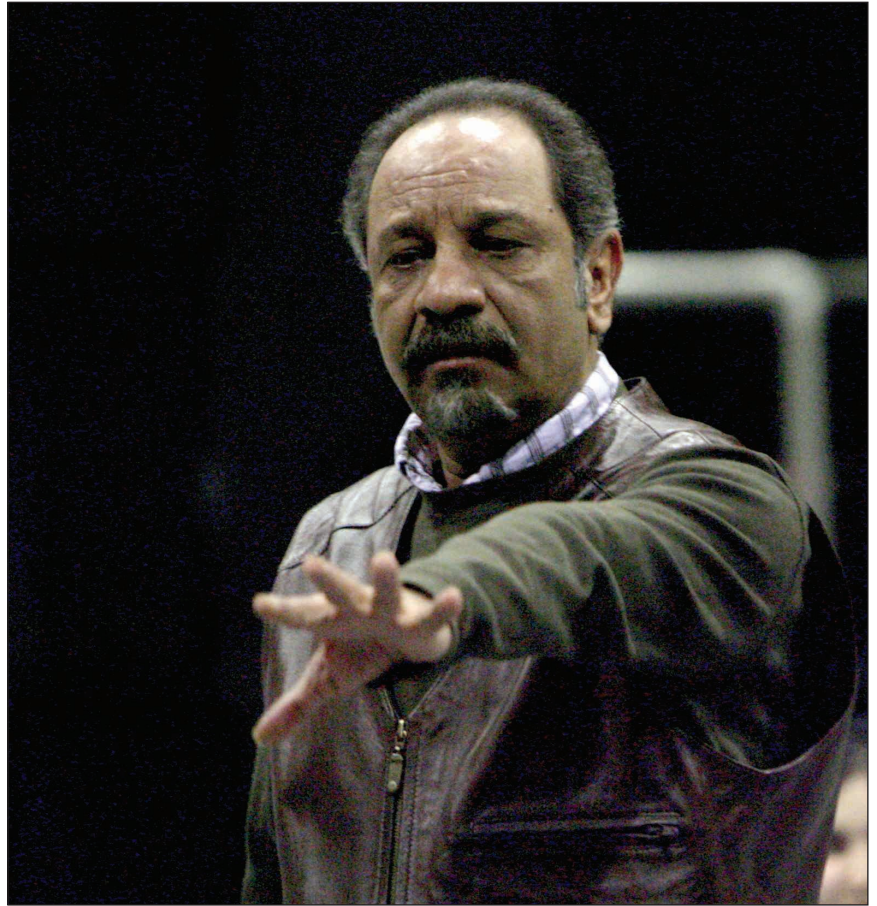
“I had tried to avoid theater because of this (shortfalls and mismanagement) but I have decided to remain on stage until I am receiving backing for my work,” Farhang said. He added that the work is for today’s social atmosphere.

“Galileo” is the symbol of fight between wisdom and ignorance, old and modern society.

The play is a loose adaptation of Saeed Shahsavari’s “Galileo,” Farhang said.

“However, the play is representing my taste and idea,” he noted.

Farhang stressed that he made changes in the play to be less boring and has proper performance duration by employing cinema elements.



“Sensuality & Nihilism” by Iraj Rad

## Audience



Iraj Rad, stage actor and director and a member of High Selection Council, is participating in the festival as a guest.

“Sensuality & Nihilism” is written by Thierry Monies.

Rad has high responsibility toward theater circle as managing director of Iran Theater House.

In an interview, he talked about performance of the High Selection Council in choosing the works as well as direction of “Sensuality & Nihilism.”

Was selection of admitted works a daunting task considering the high number of submissions?

The responsibilities were divided in the council. I only watched the plays of Panorama of Iran Theater.

Each group was to watch certain groups of submissions. The council held debates in the second stage.

Some selection members worked in several groups. But

I chose works in Panorama of Iran Theater because of busy schedule.

Why have you joined the festival with “Sensuality & Nihilism”?

I got permission for the play since March. I planned to perform it in December but I was busy at that time.

Then, it was announced that I could stage the play on the last day of the festival in Chaharsou Hall as guest. I would have public performance immediately after the festival.

Have you made any changes in “Sensuality & Nihilism” for performance?

Monies’ play is a tragedy and comedy. It is translated by Abolqasem Najafi. I cut the play short. Some part of the play needed changes to become compatible with today’s requirements.

Although the play was written not long ago, I think it needs those changes.



“The Day Longer than Night” by Soltan Osmanof

## Men without Memory in Longest Day of Century

Sulton Usmonov has 30 years of experience on Tajikistan and Russia theater as director and actor.

He is concerned over human and its inner soul in today's world. He believed the only existing image of a human is an alienated creature named man and nothing more.

Sulton Usmonov is participating in nations' theater section of the festival with “The Day Longer than Night.”

He started his career 30 years ago as an actor. He was so interested in the art which studied direction field in Moscow University. He concurrently cooperated with theatrical groups as well.

“My professional work was started with musical theater. I pursued opera theater in my home country. I was invited to a Russian-speaking theater after a decade. I worked there for 10 years. My third decade was focused on youth theater,” Sulton said. The Tajik director is participating in Fajr International Theater Festival for second time.

His “Rostam and Sohrab” was awarded the best play in the festival last year.

“The Day Longer than Night” received five out of nine awards in Kyrgyzstan theater festival.

On commonalities of Iran and Tajikistan theater, he said that the two country were one in the past, having common culture, traditions, customs and language. These commonalities make theater of the two countries closer.

But there are differences. Iran theater is more diverse compared to theater of Tajikistan.

Lack of diversity in Tajik theater is because it was under influence of Russian school which is origin of all countries separated from Russia.



## Playing Music by a “Table”



The “Table” is a play, by Karbido theater group, makes an attempt to communicate through artistic event. That is why the group inspired by everything because it wants to be understood everywhere.

The main idea of this performing came from when the four of members of it wanted to play together at the same time, on something that is not a guitar, or a piano, because, but a table.

And so, a table was the best and the simplest idea for such a meeting. It was supposed to be an experiment, more of a provocation than a pre-planned realization of a pre-conceived idea.

The members of Karbido are equally musicians and composers of the music as well as no-musicians and explorers of other media. If they were only musicians, you would die from boredom and we would die with you.

Karbido means free choice

typical of vanguard artists with inclination to and experience in music, theater and art.

Karbido crew - far from being precise when it comes to defining their music - passionately fit and shuffle their own puzzles. They play with the listener's habits, at the same time opening the door for careful observers of the world and energetic optimists who like driving at full speed on uneven ground.

The play “Table” is about four men sit around a square table, their feet surrounded by a nest of wires and effects pedals. For the next hour, they will transform the wooden table into a multifaceted musical instrument.

As they scrape, tap and rub their instrument with infinite precision, these amplified chimes reverberate around you. Using strings, bows, coins and wine glasses, as well as fists and fingers, the group creates music you never thought possible from a piece of wood.



## Culture Minister to Foreign Guests: Artists Identify Social Pains



Culture and Islamic Guidance Minister Seyyed Mohammad Hosseini hosted foreign groups of the 28th Fajr International Theater Festival in a lunch party in Tehran's Laleh Hotel yesterday.

Hosseini said that Iranian artists recognize social problems very well.

"Iranian artists do not want art just for entertaining themselves. They want to identify pains of the society like a physician assessing a

sickness and treating it."

The country boasts of having such artists, the minister added. "There is at least one main and important message in each art program. All appearances, tools and mediums, stage setting are to convey (the message) better and influence more." Hosseini said that artists try to process a reasonable matter with his imagination, capabilities and efforts in a beautiful way to attract all.

The minister added that some innovations made in the ongoing festival, notably theater market, which is a positive event.

Artists from the farthest places in the world from Brazil to European and Asian countries and Economic Cooperation Organization (ECO) member states gives the festival a chance for exchange of experiences.

Participation of foreign artists is considered as an opportunity to show realities of Iran and delicate behavior of Iranians.

He noted that strong participation of regional groups in the festival is a good omen.

Hosseini expressed hope that artists to take big strides toward developing and serving the country.

A number of advisors, deputies and managers as well as a host of theater and cinema artists of the Culture Ministry attended the party.

## Vice President Culture Minister in "Mowlavi Opera"



Ebrahim Azizi, vice president for planning and strategic development, watched "Mowlavi Opera" last night along with Culture Minister Seyyed Mohammad Hosseini and deputy culture minister for artistic affairs, Mohammad-Hossein Imani-Khoshkou.

The officials talked with crew of the play on the back stage about production of the opera at the end of performance, expressing congratulation.

Behrouz Gharibpour, director of the play, expressed his willingness to make an opera on towering Persian poet Hafiz.

Deputy culture minister agreed with the idea.

"Presence of young generation among audience shows how much Iranians care for the life and works of country's art and literature luminaries, Gharibpour maintained.

## A Report on "Theater Techniques" Workshop by Italian Group of "Doctor Frankenstein"

# A Correct Understanding of Body Rhythm

Instructors of the workshop are members of a group established 17 years ago in southern Italy.

They are active in a theater named "Koreja." They have performed various plays for different age groups.

This Italian group has 17 members and guest performers are invited for each play.

They staged "Garden of Dreams" last year in Isfahan Children Theater Festival. Audience welcomed the play warmly. The play received special award of the festival.

### Knowing the Body & Preparation for the Beginning

Head of the workshop introduced himself in the beginning. After Salvatore

Tramacere, director and actor as well as founder of the group, it was Fabrizio Pugliese turn.

He said, "It has been



working with the group for 19 years and he had the experience of working with other groups prior to this."

The last one was Fabrizio Saccomanno to explain that he works in play writing field and

technical activities.

The exercises began. Having rhythm in body and keeping it are important in early exercises.



He later called on participants to do exercises and asking for their involvement.

### Everything Depends on Rhythm

Participants should concentrate on a horizontal line and look

in front of themselves in this exercise.

Eight individuals take eight steps ahead in this exercise. Then, they change the direction with the eight step. The person counting should keep the time between each number equal.

The exercise looks easy but it take time for participants to reach to what Salvatore wants.

Salvatore asked participants to stand on the step four or eight if they want and join the group in their return. The exercise continued until the group could keep the exercise without counting for a long time.

### Spread Rhythm in Voice and Body

Pugliese and Saccomanno joined the

group later.

Sacomanno carried out a new form of exercise and eight participants join him later. Participants took step like before for the primary exercise, changing forms of body and the face for a while.

Another group is joined to Fabrizio to have voice exercise.

### Exchange of Cultures Is the Target

Sacomanno sang a folkloric song at the end of workshop.

He explained that the song belongs to local citizens of southern Italy where they live.

He stressed that the Italian group was not instructors and they were in the workshop to learn from one another.



# THEATER

30 January 2010

The 28th Fajr International Theater Festival

